

## درباره فهرس نسخ خطی در ایران (با توضیحی درباره فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران)

### مصطفی درایتی<sup>۱</sup>

خرداد ماه ۱۳۸۹ شمسی، مطابق با جمادی‌الثانی ۱۴۳۱ هجری قمری و می ۲۰۱۰ میلادی که به لطف حق از ویرایش نهایی آخرین مجلد از فهرستواره «دست‌نوشته‌های ایران» فارغ شدم، برایم خاطره‌انگیز خواهد ماند، کاری که بیش از یک دهه به طول انجامید و همواره نگران ابتر ماندن آن بودم. چون مسبوق به سابقه بود، حداقل نسبت به دیگران.

بارها و بارها دوستانی از سردلسوزی یادآور شدند که به‌سرانجام‌رسانی کاری با این حجم، بدون داشتن یک پشتوانه مطمئن مادی ریسکی بزرگ است و در میانه راه زمین‌گیری می‌آورد و چنین پروژه‌های ملی‌ای را باید مراکز ملی کشور یا دنبال کنند و یا پشتیبانی کنند! سخن حقی که جای انکار نداشت، ولی از طرفی تجربه مدیریتی من، نشان می‌داد که امید به تحقق چنین ایده‌هایی از واقعیت دور است. دغدغه‌ها، ناپایداری مدیریت‌ها، بی‌سامانی در برنامه‌ها، جهت‌گیری هزینه‌ها، درک اولویت‌ها، و ده‌ها مسأله دیگر اجازه نمی‌دهد چنین مقوله‌هایی در ساختار مراکز ملی ما، پایدار بماند و سرانجام پیدا کند. جز آن که کارهای در نیمه راه مانده، در این مراکز محبوس می‌شود و باید همه چیز از نو آغاز شود.

مهمتر این‌که اعتقاد بر این بوده و هست که در به‌سرانجام‌رسانی کارهای بزرگ، عشق به کار پشتوانه اصلی است نه امکانات گسترده؛ لزوماً امکانات، به تحقق کار ماندگار نمی‌انجامد، ولی عشق به کار بسیاری از موانع را برخواهد داشت. بنابراین تحذیر دوستانم را جدی نگرفتم و عزم کردم که با ورود به این عرصه، یکی از کاستی‌های موجود را مرتفع کنم و چشم از همه برگیرم و به خدا و توانایی‌های خود اتکاء کنم و

۱. این مقاله مقدمه فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران است که در ۱۲ مجلد در ضمن انتشارات کتابخانه مجلس منتشر شده است.

بارها تا مرز توقف پیش رفتیم، ولی لطف و عنایت حضرت حق و استمدادی که از روح بلند و ملکوتی علی بن موسی الرضا - علیه السلام - کرده بودم، راهها را گشود و به هر صورت قسمتی از آنچه در ذهن داشتم، در این ماه خاتمه یافت و بدیهی است همانند مادری که با سختی فرزندی زاده است، احساس خوشی داشته باشم و از خدای بزرگ سپاسگزار باشم.

آنچه فراهم آمده، مطمئناً دارای کاستی‌های بسیار است، ولی واقعیت آن است که مصالح در اختیار به حدی ناهمگون، مشوش، پراکنده و مغلوط بود که تبدیل آن به بنایی بدون نقص غیرممکن می‌نمود، تلاش شد از آن همه، نمایی ساخته شود که نواقص، در شکل و قواره اصلی بنا - که می‌تواند غرورآفرین باشد - خللی وارد نکند و این یکی از اهداف اصلی تهیه و تنظیم این فهرستواره بود و اصولاً ورود من به این عرصه، دل‌آزردگی از این مسأله بود که پیشینیان، ابزار بزرگی و افتخار ما را فراهم آورده‌اند، ولی ما از تبدیل آن به مجموعه‌ای هویت‌بخش و افتخارآفرین برای نسل امروز و فردای خود یا غافلیم و یا ناتوان. اگر وجود نسخه‌های خطی بسیار، سندی بر پیشینه تمدن‌ساز و توجه به پایه‌های بالندگی یک ملت است که حتماً چنین است، چرا در تبدیل آن به سرمایه‌های ملی و دست‌مایه‌های فرهنگی غافلیم.

فهرستواره - که بهتر است بعد از این از آن به «دنا»، نام تلخیصی آن، یاد کنم - نشان می‌دهد که مردم ایران با همه فراز و فرودهای سنگین سیاسی، هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای از تاریخ از دانش و علم غافل نبوده‌اند و از همه محدودیت‌ها، فرصتی ساخته‌اند تا تلاش و نبوغ فکری و فرهنگی خویش را اثبات کنند. موجودی امروز ایران اسلامی - به جز آنچه از آن به غارت رفته - نشان می‌دهد که این کشور حداقل یکی از بزرگترین کشورهای دارای دست‌نوشته است و ذخایر موجود آن، منبعی عظیم در اختیار پژوهشگران، ایران‌شناسان، شرق‌شناسان و محققان رشته‌های گوناگون قرار می‌دهد، جز آن که این موجودی محصول فکر و یا عمل این ملت است و کمتر از دیگر کشورها منتقل شده است اکثر قریب به اتفاق آن یا تراوش فکری یک شیعه است و یا یک ایرانی و یا حداقل یک ایرانی آن را کتابت کرده است.

تمدن پیشین ما، در دو نماد اصلی بروز دارد، یکی در آثار به‌جامانده باستانی و دیگر در آثار به‌جامانده مکتوب؛ و حفاظت و نگهداری و تبدیل آن به دست‌مایه‌های علمی و فرهنگی، همت و عزم می‌طلبد و جز آن ارزش و اثرگذاری خود را از کف خواهد داد و به مرور نابود خواهد شد. همواره از این نکته دل‌آزرده بوده‌ام که باید ارزش ذخایر ما را دیگران بگویند تا اهمیت آن را دریابیم و یا آنها بشناسانند تا مورد توجه قرار بگیرد؟

البته در دو دهه اخیر کارهایی در این حوزه انجام شده است ولی فاصله بسیار تا بایستگی دارد. هنوز شاید از نیمی از نسخه‌های موجود در کشور ابداً اطلاعاتی منتشر نشده است. کارهای به‌جامانده بسیار است بالاخص در مراکز مهم نگهداری نسخه‌ها که یا دولتی هستند و یا کاملاً شناخته شده‌اند و از اهتمام جدی در فهرست کردن موجودی خود و انتشار حداقل اطلاعات اولیه آن غفلت دارند و عملاً به مهجوری ذخایر علمی کشور پرداخته‌اند و بسیاری هم در مراکز مختلف کشور پراکنده است که هیچ مرکزی همت بر فهرست کردن آن را در حوزه خود نمی‌بیند.

رفع این نقیصه و نبودن متولی برای جمع‌آوری اطلاعات نسخه‌های پراکنده، دغدغه اولیه من بود که در سال ۱۳۷۵ شمسی آن را به صورت طرحی به شورای پژوهش‌های علمی کشور عرضه داشتم و این طرح به صورت یک طرح ملی مصوب شد و مقرر گردید در قالب این طرح ۱۰۰/۰۰۰ نسخه خطی فهرست شود و اعتباری برای آن در نظر گرفته شد، و آرزو داشتم با اجرای آن بتوانم اطلاعات نسخه‌های پراکنده در کشور را سامان دهم و یا اطلاعات ناقص برخی از فهرس را تکمیل نمایم و شاید تنها طرحی بود که مقرر شد در بخش غیردولتی ولی با پشتیبانی دولت دنبال شود. متأسفانه در سال‌های بعد و قطع اعتبارات شورای پژوهش‌های علمی کشور، این طرح مصوب دچار چالش شد و فقط توانستم با استفاده از ارتباطم در طی چندین سال ۲۸٪ از اعتبار آن را با چه زحمتی دریافت و ۳۵٪ از طرح را اجرائی کنم و از سال ۱۳۸۴ شمسی بقیه آن به صورت کامل متوقف گردید.

توقف این طرح مرا بر آن داشت که معطل شدن برای تکمیل تمامی اطلاعات، قدم‌های لازم بعدی را همچنان متوقف خواهد کرد، اما می‌توان با استفاده از همین مقدار اطلاعات و تنقیح و شکل‌دهی شایسته‌تر آن به رفع کاستی‌های بعدی آن پرداخت و لذا تدوین «دنا» را که از ابتدا در ذهن داشتم با جدیت بیشتر آغاز کردم. طراحی و شکل کار را بارها و بارها مرور و با مشورت‌های بسیار با صاحبان تجربه در این کار آن را بازنگری نمودم و حاصل آن، این شد که عرضه شده است.

طرح ابتدایی آن، اطلاعات کامل‌تری را دربرمی‌گرفت ولی حجم کار را بسیار گسترده می‌کرد و مشکلاتی در اجرا داشت. با تفکیک اطلاعات نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی بنا گذاشتم که آن را در دو مجموعه سامان دهم و در «دنا» اهتمام جدی بر عرضه اطلاعات نسخه‌شناسی و معرفی آنها باشد و در مجموعه دوم اطلاعات کتاب‌شناسی مورد توجه قرار گیرد که می‌تواند بخش کتاب‌شناسی آن به صورت موضوعی-تاریخی تدوین شود و بهره‌های دیگری نیز بر آن افزوده شود.

این تفکیک بیش از نیمی از حجم کار را محدود و تقسیم کرد، جز آن که آماده‌سازی قسمت اول کار را سرعت می‌بخشید تا با عرضه آن بتوان در بخش دوم، هم به استدراکات پرداخت و هم نواقص احتمالی بخش اول را مرتفع نمود. تلاش بسیاری صورت گرفت تا پراکندگی و تشویش موجود در فهرس ناهمگون به نظم و شمایی درآید که حداقل‌های یک کار شکل‌یافته را داشته باشد.

اصرار داشتم که این مجموعه کامل و یکجا عرضه شود، کاری که کمتر در ایران سابقه داشت و دلایل خود را داشتم و این تصمیم، خود مشکلاتی را ایجاد می‌کرد و از این که توانستم بر آن غلبه کنم خرسندم لذا امکان ارزیابی آن بیشتر است.

به حول و قوه الهی، در ذهن دارم که پس از ارائه این فهرستواره و همزمان با آماده کردن بخش کتاب‌شناسی، تلاش جدی در جهت فهرست نمودن و جمع‌آوری اطلاعات پراکنده منتشر نشده کشور نمایم. این کار دارای دو جنبه است: یک جنبه برنامه‌ریزی و اجرای آن است و دوم اعتبارات و هزینه‌بری آن. در برنامه‌ریزی و اجرا مشکلی وجود ندارد، انجام چند ساله کار همه زیر و بم و اطلاعات مورد نیاز را فراهم آورده و همت و عزم به کار است که آن را از خدای بزرگ و ارواح معصومین می‌طلبم و همکاری

که امروز بیشتر از ده سال قبل به همکاری آنان امیدوارم. جنبه دیگر هزینه بسیار سنگین آن است که کمی دل‌نگرانم می‌سازد و در آن هم توکل به لطف و کمک الهی، هم کارسازتر و هم ماندگارتر است. باید دانست که «نسخه‌های خطی» نماد مکتوب پیشینه علمی، فرهنگی و تاریخی این ملت است و دست‌مایه بسیاری از پژوهش‌های علمی و تاریخی، شناخت توانایی‌ها، فراز و فرود علوم، شخصیت‌های تأثیرگذار و نظریات برجسته در مسائل علمی، روند شکل‌گیری و رشد و تعالی علوم گوناگون، شناخت نوآوری‌ها و چگونگی بسط و گسترش علوم گوناگون، شناخت تأثیر فرهنگ‌ها در یکدیگر، شناخت تحولات اجتماعی و سیاسی و تأثیر آن در رکود و یا بسط مسائل علمی، چگونگی فرهیبهی و نزاری برخی از علوم و شناخت علل و عوامل آن، شناخت سهم ایرانیان در فرهنگ و تمدن بشری، شناخت تاریخ علمی و فرهنگی بسیاری از مناطق ایران و بررسی و تحلیل تاریخی رشد و تکامل خط، تذهیب، کاغذ، مرکب، تجلید و ... همگی نیازمند مراجعه و کاوش علمی در نسخه‌های خطی است جز آن که آثاری بسیار فاخر در میان آنهاست که ابداً به زیور طبع آراسته نشده و نیازمند تصحیح انتقادی و انتشار است.

توجهی که در دو دهه اخیر به آثار باستانی ایران به عنوان بخشی از تاریخ و تمدن مردم ایران صورت گرفته، قابل تقدیر است گرچه کاستی در آن حوزه نیز اندک نیست؛ ولی چرایی همسان ندیدن بخش دیگری از میراث عظیم و افتخار آفرین این ملت که در قالب نسخه‌های خطی تبلور دارد، بر من پوشیده است! اگر چه نهادهی با عنوان «سازمان میراث فرهنگی» وجود دارد ولی گویا نسخه‌های خطی، جزء میراث فرهنگی این کشور نمی‌باشد و لذا نه تنها در شهرستان‌ها و استان‌ها، که حتی در کشور نیز نمی‌توان متولی مشخصی برای این حوزه شناخت. واقعیت آن است که اگر ما مدعیان پرسخن و کم‌عمل در مورد اهمال در استحکام بخشی به پایه‌های اصلی هویت تاریخی فرهنگیمان ملامت شویم، ابداً ناروا نیست.

## اهداف این مجموعه

- دو هدف اصلی، انگیزه تدوین این مجموعه بود:
- ۱- تبدیل اطلاعات ناهمگون و پراکنده به مجموعه‌ای سامان یافته به جهت نمایش حجم و اهمیت ذخایر مکتوب ایران
  - ۲- ایجاد پشتوانه اطلاعاتی برای مراکز پژوهشی و پژوهشگران این حوزه
- این دو هدف، البته با عنوان عام آن دغدغه‌ای بوده است که در طول سه دهه گذشته چه در مراکز که مسؤولیت داشته‌ام و یا در کارهای علمی شخصی‌ام، دنبال کرده‌ام. معتقدم اگر در حوزه تولید علم و نوآوری‌ها و یا تعمیق آن‌ها، حرکتی شتابان نداریم، بدان جهت است که مقدمات و زمینه‌های آن را فراهم ننموده ایم. یکی از زمینه‌ها، دسترسی آسان و جامع به اطلاعات متن‌های علمی است که از آن به کارهای «میان‌پژوهشی» یاد می‌کنم به عبارتی اگر کارهای میان‌پژوهشی ما کامل نشود، انتظار از تحرک در نوآوری و تولید علم، کمی غیرواقعی است و در این مقوله، کار مانده بسیار است که باید افراد و مؤسساتی بر آن همت جدی بگمارند. رشته «اطلاع‌رسانی» در دنیا با این هدف تأسیس شد گرچه در ایران رشته جدیدی است

ولی در غرب دارای سابقه است و کارهای مهم میان پژوهشی صورت گرفته، تا پژوهش را جامع و بارور کند و دسترسی پژوهشگر به اطلاعات را تسهیل نماید.

در این مسیر تکنیک‌ها و روش‌های متنوع و گوناگونی ابداع و تجربه شده، که با استفاده از آن می‌توان این کاستی را مرتفع کرد و هم زمینه استفاده از فن‌آوری‌های جدید در امر پژوهش را فراهم کرد. گرچه اطلاعات مربوط به این رشته، بیشتر در حوزه تخصصی کتابداری عرضه می‌شود، ولی تخصص‌ها و تجربیاتی در آن وجود دارد که شاید تنها از متخصصان کتابداری نتوان انتظار داشت؛ جز آنکه این رشته در کشور، جایگاه و اهمیت آن کاملاً شناخته نشده و شایسته از آن استفاده نمی‌شود.

به هر صورت کمبود شدید متخصصان اطلاع‌رسانی در کشور و عدم توجه به کارهای اساسی میان پژوهشی، نقصی است که در شتاب و جامعیت کارهای پژوهشی در کشور تأثیرگذار است. توجه به این امر یکی از دغدغه‌های اصلی من بوده که در حوزه علمیه قم در دهه ۶۰ تلاش بسیاری برای آن - حداقل در حوزه پژوهش‌های دینی که کار و اهتمام من بود - صورت گرفت و به نظر من کارهای بزرگی نیز انجام شد بالاخص توجه جدی و اساسی به کارهای پایه‌ای در امر اطلاعات تا به سامانی شایسته برسد.

اولین «اصطلاح‌نامه‌های» تولیدشده، نه ترجمه شده، در ایران، در حوزه علمیه قم تهیه و منتشر شد. امروز تقریباً همه کتابخانه‌های بزرگ و کوچک حوزه با استفاده از روش‌های نوین، کتاب‌های خود را فهرست و به مراجعان عرضه می‌کنند. امروز استفاده از کامپیوتر در کار پژوهشی و تولید نرم‌افزارهای علمی در حوزه علوم دینی بسیار گسترده و شاید بیش از مراکز دانشگاهی است. امروز در عرضه کتاب‌های دینی، استفاده از نمایه‌های فنی، بسیار جدی‌تر از قبل است و متخصصان آن روز به روز در حال افزایش است. تلاش برای تسهیل دسترسی پژوهشگران به منابع و متن و استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های جدید، در حال فزونی است و این که پایه‌ای که در دهه شصت در حوزه علمیه قم گذاشته شد به خوبی در حال گسترش است، حاکی از درک اهمیت آن در حوزه تحقیقات دینی است. «دنا» نیز، از کارهای میان‌پژوهشی است که تلاش می‌کند از اطلاعات گسترده و پراکنده، بنایی بسازد که راه‌های ورود تعریف شده داشته باشد و راه‌های فرعی احتمالی را نیز به راه اصلی هدایت کند و بهره از اطلاعات ناهمگون را میسر می‌سازد.

با توجه به این که دغدغه و تخصص من با توجه به کارهای عملی و پیگیری مجددانه در سال‌های مدیریتم بر بزرگترین مرکز تحقیقاتی حوزه علمیه و عضویت یک دهه در کمیسیون اطلاع‌رسانی شورای پژوهش‌های کشور و سپس عضویت در شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور، در حوزه اطلاع‌رسانی پژوهشی بود، احساس کردم رفع قسمتی از کاستی‌های موجود در حوزه نسخه‌های خطی، منوط به یک کار حجیم میان‌پژوهشی است که باید سریع‌تر انجام شود.

اما در باب هدف دوم، هم در گروه‌های تحت مدیریت خود در دهه شصت در حوزه علمیه قم و هم با اطلاع نسبتاً جامعی که از مؤسسات دیگر داشتم و یا پژوهشگرانی که به تصحیح و احیاء میراث مشغول بودند به خوبی شاهد بودم که یافتن اطلاعات یک کتاب و نسخه‌های آن با توجه به پراکندگی و ناهمگونی

بسیار فهرس و بعضاً فهرسی که بیش از ۶۰ سال از انتشار آن گذشته و حتی دسترسی به آن مشکل شده و مشکل تر یافتن اطلاعات مورد نظر از میان حدود ۵۰۰ جلد فهرست ریز و درشت و یا اطلاعات منتشره در میان مجلدات و بعضاً مقالات، کاری سخت و زمان بر و بعضاً ناممکن است. بسیار اتفاق افتاد که اثری با زحمت بسیار و هزینه سنگین تصحیح و منتشر می‌شد و بعد معلوم می‌گشت که چند نسخه معتبر دیگر وجود داشته که در تصحیح از آن استفاده نشده است. بسیار شاهد بودم که برای گرفتن نسخه‌ای حتی به کشورهای دیگر سفر شد و بعد معلوم شد که در ایران دارای نسخه بوده است. بسیار شاهد تحقیق در موضوعاتی خاص بودم که بدون اطلاع از کتاب و نسخه‌های مشابه، نشر یافته بود، بسیار شاهد بودم که در نسخه‌ای ادعای منحصر بودن شده بود و بعد مشخص می‌شد که چندین نسخه دیگر در ایران دارد.

در حوزه کتاب‌های فارسی پیشکسوتی کار فهرستگان یا فهرست مشترک از آن استاد احمد منزوی است که مقدار آدرس دهی به اثر ایشان نشان می‌دهد که هر کس درباره اثری فارسی به تحقیق بپردازد، چاره‌ای جز مراجعه به آن ندارد. با وجود این، نظر به زمان گذشته بر آن و انحصار آن در کتاب‌های فارسی و ... ضرورت داشت ارائه اطلاعات همه ذخایر کشور، یا حداقل اطلاعاتی که تا امروز نشر یافته، در شکلی زودبایتر و البته هماهنگ‌تر و جامع‌تر، کاستی موجود را جبران کند و پشتوانه‌ای برای مؤسسات و پژوهشگران این عرصه باشد.

جز آن که شاهد صرف هزینه بسیار سنگین در استفاده از امکانات سخت‌افزاری بودم، در حالی که این امکانات زمانی کارایی مناسب خواهد داشت که امکانات نرم‌افزاری و زمینه‌های آن از یک روش و روند هدفمند و اجمالاً هماهنگی تبعیت کند و بدون آن، کارایی سخت‌افزار در حد صفر است و اگر اطلاعاتی نیز بدون رعایت استانداردها به آن داده شود، نتیجه آن یا اطلاعات مغشوش است و یا این که دچار ریزش و اختلاط شدید خواهد بود.

در این مقوله سخن بسیار دارم و در این مقدمه آن را کوتاه می‌کنم تا مجال دیگری به هر صورت احساس کردم اطلاعات فراهم آمده از نسخه‌های خطی بسیار قابل توجه است و تشویش و ناهماهنگی در آن بسیار زیاد و لذا بهره از آن شاید بیش از ۱۰٪ نباشد و تا وقتی با یک کار میان‌پژوهشی منضبط، تجمیعی صورت نگیرد، نتیجه مورد انتظار از آن حاصل نخواهد شد. کار سخت و سنگین بود و آشنایی‌های گوناگون را می‌طلبید جز آن که حجم اطلاعات نیز ایجاد نگرانی می‌کرد. سراغ ندارم در هیچ کجای دنیا، بالاخص در این حوزه، مجموعه‌ای با این حجم اطلاعات فراهم آمده باشد. بنابراین برای من و آشنایی‌ها و دغدغه‌هایم، کاری اساسی و ضروری تلقی می‌شد لذا با همه نگرانی‌ها و کاستی‌ها بدان پرداختم و امیدوارم دو هدفی که برای آن تعریف کرده بودم، اجمالاً محقق شود. گرچه آنچه در «دنا» عرضه شده، فقط نیمی از آنچه در ذهن دارم را محقق کرده است، ولی نمای عمل و قسمت عمده‌ای از کارایی مورد انتظار باید مشخص شده باشد.

لازم به ذکر است که مداخل رسیدن به اطلاعات «دنا» به جهت محدودیت‌های کار چاپی منحصر در نام کتاب، نام مؤلف و کاتب - که این دو تای آخر از طریق فهرست ضمیمه است - می‌باشد، در حالی که

اطلاعات موجود درباره نسخه‌های خطی به بیش از ۶۰ گزینه می‌رسد که هر کدام می‌تواند، مدخلی برای رسیدن به اطلاعات خاصی باشد که دستیابی و جمع‌آوری آن، به صورت عادی بسیار زمان‌بر و بعضاً غیرممکن است. این کارآیی‌ها نیازمند استفاده از رایانه بود که نسبت به کار چاپی، کمتر محدودیت دارد. این کار نیز همراه با آماده‌سازی اطلاعات این فهرستواره انجام شد و «بانک اطلاعات نسخه‌های خطی» به نظر من یکی از کارآمدترین بانک‌های اطلاعات علمی است که می‌تواند فراتر از «دنا»، نیازهای بسیار دیگر را پاسخگو باشد و زمینه‌های بکری را جهت پژوهش در اختیار محققان قرار خواهد داد. امیدوارم، همزمان با انتشار «دنا» و یا حداکثر چند ماه پس از آن، با راه اندازی سایت این بانک که با آدرس [www.mssdb.com](http://www.mssdb.com) که مخفف Manuscripts Database Bank تعریف شده، دایره بهره از این اطلاعات را در داخل و خارج از کشور بیش از پیش نماید؛ ولی نمایش عظمت و حجم کار، جز با کار مکتوب امکان‌پذیر نبود، جز آن که کار چاپی دارای امتیازاتی است که نمی‌توان همه را در کار الکترونیکی جبران کرد. این «بانک اطلاعات» نسبت به نسخه‌های ایران، روزآمد است و کار آماده‌سازی اطلاعات نسخه‌های دیگر کشورها را در دست کار دارد که در این فاز کشور عراق و فهرسی که از دیگر کشورها در ایران منتشر شده در دستور کار است و حجم فعلی اطلاعات آن حدود ۳۶۰/۰۰۰ نسخه است که مرتب در حال افزایش و هم در حال ویرایش است. البته ایده «بانک اطلاعات نسخه‌های خطی جهان اسلام» را در سر دارم تا توفیق چه باشد و تقدیر چه شود.

نام‌گذاری این اثر هم برایم به داستانی تبدیل شد. به صورت طبیعی از ابتدا نام «فهرستواره نسخه‌های خطی ایران» را بر آن نهادم و تا همین اواخر هم همین نام را داشت و بعد از ارائه به دوستان خوش‌ذوقی، از آنها خواستم که اگر درباره نام این اثر پیشنهادی دارند مرا راهنمایی کنند. دو ایراد بر آن گرفته شد یکی این که این نام گرچه گویاست ولی بکر نیست و بهتر است نام بکری برای آن گزیده شود، دوم آن که نام طولانی است و در نام‌بردن و آدرس‌دهی، مشکل ایجاد می‌کند و نام تلخیصی آن هم عاری از معنی است و لذا در پی یافتن نام جدیدی برای آن افتادم و عاقبت عزیزی خوش‌ذوق که خوش‌سلیقگی اش شهره است نام «دست‌نوشته‌های ایران» را با کلمه تلخیصی «دنا» پیشنهاد کرد که هم نام فارسی کامل است، گویاست، بکر است، زیباست و هم کلمه تلخیصی آن دارای معنایی مرتبط است. «دنا» نام قله معروفی در فارس است که پس از دماوند با ارتفاعی حدود ۵۰۰۰ متر مرتفع‌ترین قله ایران محسوب می‌شود. پیشنهاد، جامعیت داشت و جای سخنی باقی نگذاشت. فقط جهت نشان دادن، تلخیصی بودن این اثر، کلمه فهرستواره را بدان افزودم، ولی با حروفی ریزتر که چندان جزء نام اصلی کتاب تلقی نشود و برای آدرس دادن به متن، می‌شود فقط از نام «دنا» استفاده کرد که هم موجز، هم زیبا و هم بامعنی و هم ایرانی است. امید که مقبول طبع ظریف‌نگران قرار گیرد.

## تحلیل آماری

در ادامه این مقدمه، مناسب دانستم به جای پرداختن به مسائل گوناگون، فصلی را به ارائه آماری که با سر جمع کردن بخشی از اطلاعات پراکنده در این حوزه به دست می‌آید اختصاص دهم. عمده این آمار با استفاده از توانمندی‌های «بانک اطلاعات نسخه‌های خطی» پیش‌گفته استخراج و عرضه شده و می‌تواند نمایی کلی از بخش‌هایی مربوط به نسخه‌های خطی ایران را نمایش دهد و این مقدار فقط قسمتی از آن است و ارائه تمامی آن، بخش زیادی از مقدمه را اشغال می‌کند.

که حجم پیش‌بینی شده برای مقدمه، مجال آن را نمی‌داد و عرضه این مقدار، فقط جهت نشان دادن اطلاعات بسیار متنوع در حوزه نسخه‌های خطی است که می‌تواند به پژوهش‌های جدیدی منجر شود و همه آن با استفاده از «بانک اطلاعات نسخه‌های خطی» قابل استخراج است.

با توجه به حجم اطلاعات موجود در این فهرستواره، می‌توان به صورت آماری اطلاعاتی را ارائه داد که برای شناخت وضعیت گذشته فرهنگی و علمی ایران مفید است. آنچه در این قسمت از آمار و ارقام آورده می‌شود، اطلاعاتی است که در این فهرستواره استفاده شده و استخراج آن از طریق «بانک اطلاعات نسخه‌های خطی» محصول مؤسسه فرهنگی-پژوهشی الجواد میسر شده است. گرچه امکان ارائه آمارهای بسیار متنوع و مفید دیگر نیز ممکن بود ولی آنچه عرضه می‌شود گزیده‌ای از آن است که امکان درج در این مقدمه را داشت و جز آن را به پژوهشگران دیگر وامی‌گذارم تا به کندوکاو بپردازند و ابعاد بیشتری از زوایای پنهان و آشکار آن را روشن کنند.

در این بررسی چند محور مورد بررسی قرار خواهد گرفت که عبارت است:

۱. کتاب‌های دارای بیشترین نسخه در ایران
۲. کهن‌ترین نسخه‌های موجود کشور
۳. پراکندگی نسخه‌های در کشور
۴. مراکز نگهداری نسخه‌ها و حجم ذخایر آن
۵. نسبت کتاب‌های عربی و فارسی و رابطه آن به موضوعات مختلف

### ۱. کتاب‌های پرنسخه

بررسی اجمالی کتاب‌هایی که در ایران دارای بیشترین نسخه خطی هستند، جالب توجه است. این آمار نشان می‌دهد که چه کتاب‌هایی بیشتر مورد توجه بوده و اهتمام به استنساخ آنها بیشتر بوده است، چیزی که امروز از آن به «تیراژ» یاد می‌کنیم با این تفاوت بسیار اساسی که امروز به جهت صنعت چاپ، می‌توان به یکباره از یک کتاب به تعداد زیادی چاپ کرد، ولی قبل از آن برای افزایش شمارگان یک کتاب باید از ابتدا تا آخر کتاب به‌وسیله یک نفر نوشته می‌شد و لذا تک تک نسخه‌های آن دارای ارزش ویژه و منبعی برای اطلاعات ریز و درشت دیگری است.

تعداد نسخه‌ها در مورد کتاب‌هایی که متن آموزشی بوده است و در مدارس و یا حوزه‌های علمیه تدریس



می‌شده است، به جهت نیاز ویژه آموزشی است ولی در مورد کتاب‌های غیرآموزشی می‌تواند مفهوم دیگری داشته باشد. جز آن که زمان کتابت آنها و حتی محل‌های کتابت آن می‌تواند به موضوع پژوهش جدی تبدیل شود و گویای بازگشایی اتفاقاتی که در پیشینه علمی و فرهنگی این کشور رقم خورده است. در این بخش شایسته می‌دانم که ۱۰ کتاب عربی و فارسی را که در ایران دارای بیشترین نسخه خطی هستند، معرفی نمایم و تعداد آماری شمارگان آن را متذکر شوم و در برخی از آنها قدیمی‌ترین نسخه آن را ذکر کنم. توجه به تعداد نسخه‌های موجود و تفاوت آن‌ها با یکدیگر و موضوع این کتاب‌ها جای تأمل دارد. ضمناً باید یادآوری کنم که دست‌مایه این تحقیق، اطلاعات موجود در این فهرستواره است و نسخه‌های موجود در دیگر کشورها در این تحقیق و آمار به حساب نیامده است گرچه معتقدم افزودن آن، شاید چندان تأثیر قابل ملاحظه‌ای ایجاد نکند.

### الف: کتاب‌های عربی پرنسخه

۱- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق). این کتاب شریف که از مهم‌ترین و اقدم کتب حدیثی شیعه است در میان همه کتاب‌های موجود اعم از فارسی و عربی، پر نسخه‌ترین کتاب در ایران است، و تا به حال ۱۵۹۰ نسخه از آن در ایران شناخته و معرفی شده است و این جز نسخه‌هایی است که از این کتاب در خارج از ایران معرفی شده است. با این که کتاب آموزشی نبوده است، حجم انبوه نسخه‌های باقیمانده از این کتاب، بسیار قابل تأمل است.

لازم به ذکر است که از این کتاب نسخه‌ای قبل از قرن هفتم تا به حال شناخته نشده است فقط نسخه‌ای با تاریخ ۵۹۷ در کتابخانه عمومی اصفهان (فرهنگ سابق) معرفی شده است که فهرست‌نگار محترم آن مدعی است این تاریخ در حاشیه احادیث روضه آن ثبت شده است. کاتب آن را «محمد صادق بن محمد علی اصفهانی» معرفی کرده است ولی به نظر می‌رسد این تاریخ قابل اعتماد نباشد و با توجه به این که از کاتبی به نام محمدصادق بن محمدعلی اصفهانی چند نسخه دیگر می‌شناسیم که همگی در قرن سیزده است. گرچه می‌تواند تشابه اسمی نیز باشد ولی به نظر می‌رسد با توجه به جای ثبت تاریخ (اگر درست خوانده شده باشد) نتوان به آن اعتماد کرده. جز این نسخه، نسخه‌ای به شماره ۱۴۴۱۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که از کتاب الوصیة تا آخر کتاب الموارث را شامل می‌شود و در پایان کتاب الوصیة آن آمده است: «انها الی هاهنا قراءة و تصحیحا نفعه الله و ایانا به بمحمد و آله و کتب یحیی بن سعید فی جمادی الآخرة سنة اثین و خمسين و ستمائة»؛ همچنین در پایان کتاب الاطعمه آمده: «انها قراة و تصحیحا نفعه الله و ایانا به بمحمد و آله و کتب یحیی بن سعید فی ربيع الاخر سنة اثین و خمسين و ستمائة (۶۵۲)» و مطمئناً تاریخ کتابت آن قبل از این تاریخ است. بنابراین قدیمی‌ترین کتاب کافی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگاهداری می‌شود.

فاصله میان تألیف و قدیمی‌ترین نسخه کافی دغدغه متخصصان حدیث است که علت‌یابی‌های گوناگون را در پی داشته است.

۲- کتاب الروضة البهية معروف به شرح لمعه با ۱۲۹۷ نسخه دارای دومین رتبه است که البته با توجه به آموزشی بودن این کتاب قابل توجیه است.

۳- صحیفه کامله سجادیه با داشتن ۱۲۲۶ نسخه در ایران دارای رتبه سوم در میان کتابهای عربی است. قدیمی‌ترین نسخه از این کتاب شریف در خزانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۴۰۵ نگهداری می‌شود که به خط «حسن بن ابراهیم بن محمد الزامی» است و تاریخ کتابت ۴۱۶ دارد و ظاهراً ۳۷ دعاء را شامل می‌شود و با نسخه رایج به روایت نجم الدین بهاء الشرف تفاوت دارد که در جلد‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۵ فهرست آستان قدس با همین شماره مکرر معرفی شده است. بقیه نسخه‌های معرفی شده در ایران همگی به قرن هفتم به بعد بازمی‌گردند.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، دومین جوامع معتبر حدیثی شیعه، تألیف محدث صاحب نام شیخ صدوق (۳۱۱-۳۸۱ق) با تعداد ۱۰۹۶ نسخه در رتبه بعدی قرار دارد. دو نسخه در کتابخانه مرعشی است که یکی را فهرست‌نگار حدس زده‌اند که شاید از قرن چهارم و یا پنجم باشد که اگر حدس فهرست‌نگار صحیح باشد، قدیمی‌ترین نسخه در ایران محسوب می‌شود و نسخه‌ای عکسی نیز در این کتابخانه هست که اصل آن در موزه بریتانیا است و کتابت ۲۱ شوال ۶۵۲ را دارد و نسخه‌ای در کتابخانه وزیری یزد است که جلد اول کتاب می‌باشد و تاریخ ۷۴۴ برای آن ثبت شده است.

۵- تهذیب الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، سومین کتاب حدیثی شیعه، تألیف شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) با تعداد ۹۹۸ نسخه در رتبه بعدی قرار دارد. قدیمی‌ترین نسخه آن با تاریخ کتابت ۸۷۶ به خط «علی بن منصور بن حسین مزیدی» در کتابخانه جامع یزد است که عکس آن در دانشگاه تهران و دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد نیز نگهداری می‌شود. لازم به ذکر است که در فهرست مجموعه هدایی رهبری به آستان قدس رضوی، نسخه‌ای به خط «عبد محمد بن الشیخ صاعد بن بدیع» با تاریخ ۸۴۱ معرفی شده است که فهرست‌نگار احتمال تصحیف تاریخ را داده است و مطمئناً مخدوش است زیرا نام صحیح این کاتب «عبد محمد بن الشیخ مساعد بن بدیع الجویزی» است و به خط او چندین نسخه می‌شناسیم از آن جمله التنبیهات العلیة از شهید ثانی، تطهیر الحصر و البواری و صرف مال الامام حال الغیبة از حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۱۸-۹۸۴ق)، جهة القبلة از شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰ق)؛ الرضاع از حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۱۸-۹۸۴ق) که همگی در مکتبه امیرالمؤمنین نجف اشرف نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت ۱۰۹۴ را دارد و همچنین تحفة الایمان فی قبلة عراق العجم و خراسان از حسین بن عبدالصمد عاملی که دارای همین تاریخ است. نسخه‌ای از الدرر السنیة علی شرح الالفیة از همین کاتب در مدرسه سپهسالار است که تاریخ ۱۰۹۵ را دارد. بنابراین هم در ثبت نام دقیق کاتب و هم تاریخ آن دقت نشده است.

۶- بحار الانوار تألیف علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) با تعداد ۹۶۰ نسخه در رتبه ششم است که نسخه‌هایی از آن که ادعا شده به خط مؤلف آن است در کتابخانه ملک، کتابخانه مجلس، کتابخانه مسجد اعظم، کتابخانه مرعشی، مدرسه نواب و دانشگاه تهران معرفی شده است و تا به حال حدود ۳۵

نسخه می‌شناسیم که ادعا شده به خط مؤلف است که فقط دو نسخه آن در دارالعلم آیه‌الله خوئی در نجف و ۳۳ نسخه آن در ایران است و همه آنها قسمتی از کتاب بحار الانوار است.

۷- **شرایع الاسلام** فی مسائل الحلال و الحرام، تألیف محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) با تعداد ۸۵۸ نسخه در رتبه بعدی است. قدیمی‌ترین نسخه آن در کتابخانه صدوقی یزد نگهداری می‌شود که به خط «محمد بن حسین بن ابی‌البداء» است و تاریخ کتابت ۶۸۹ را دارد و بعد از آن نسخه‌ای در مجموعه طباطبائی کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که کتابت ۶۹۰ دارد.

۸- **ریاض المسائل** فی بیان الاحکام بالدلائل، تألیف علی بن محمد علی طباطبائی کربلائی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ق) با تعداد ۷۶۲ نسخه در رتبه بعدی است. پنج نسخه از این کتاب است که ادعا شده به خط مؤلف است و هر کدام قسمتی از کتاب است که در این میان یکی در کتابخانه وزیری یزد است با این که کتابت ۱۲۵۴ را دارد، فهرست‌نگار آن بدون توجه به سال وفات مؤلف ادعا کرده به خط مؤلف است که مسلم غلط است. دو نسخه در کتابخانه ملی ایران و یک نسخه در کتابخانه ملی تبریز و یک نسخه در کتابخانه ملک است که ادعای خط مؤلف در مورد آنها شده است.

۹- **الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة** تألیف عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق) با تعداد ۷۳۵ نسخه در رتبه نهم است. تألیف این کتاب در ۱۱ رمضان سال ۸۹۷ پایان یافته است و چهار نسخه در ایران با این تاریخ معرفی شده است. در نسخه کتابخانه سلطنتی ادعای خط مؤلف شده است؛ در نسخه کتابخانه ملی شیراز تاریخ دقیقاً ۱۱ رمضان ۸۹۷ ذکر شده ولی ادعای خط مؤلف نشده است؛ نسخه‌ای در کتابخانه ملی ایران وجود دارد که بدون ادعای خط مؤلف، تاریخ کتابت ۸۹۷ را دارد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه وزیری یزد معرفی شده است که کاتب آن «مومن بن حاج محمد استرآبادی» آمده و تاریخ کتابت در ۱۷ شوال ۸۹۷ دارد.

۱۰- **الوافی**، تألیف فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق) با تعداد ۷۳۰ نسخه در رتبه دهم پرشمارترین نسخه کتاب‌های عربی قرار دارد. تا به حال هشت نسخه که البته هر کدام قسمتی از کتاب است می‌شناسیم که ادعا شده به خط مؤلف است. نسخه‌ای در آستان قدس رضوی که جلد ۱۰ و ۱۱ این کتاب است؛ نسخه‌ای در کتابخانه مجلس که کتاب الصلاة و الدعاء و القرآن است؛ دو نسخه در کتابخانه مرعشی که یکی شامل کتاب حج و عمره و زیارات است و نسخه دیگر آن جزء چهاردهم و پانزدهم است شامل کتاب روضه و خاتمه؛ نسخه‌ای در دانشگاه تهران که از جزء دهم و کتاب المعایش است؛ سه نسخه در کتابخانه علامه فیض در کاشان که یکی جزء دوم، یکی کتاب طهارت و دیگری جزء دوازدهم است.

بنابراین از میان ۱۰ کتاب عربی که بیشترین نسخه را در ایران دارند ۶ کتاب حدیث است، سه کتاب فقهی و یک کتاب ادبی است و فقط دو کتاب شرح لمعه و الفوائد الضیائیة کتاب آموزشی بوده است.

## ب: کتابهای فارسی پر نسخه

از میان کتابهای فارسی، این چند کتاب پرنسخه‌ترین آنهاست:

۱- **کلیات سعدی** (شامل دیوان سعدی، بوستان سعدی و گلستان سعدی و پندنامه) از مصلح بن عبدالله سعدی (-۶۹۱ق) مجموعاً ۱۳۲۳ نسخه از آن در ایران شناخته و معرفی شده است و البته در «دنا» ذیل پنج عنوان کلیات سعدی، دیوان سعدی، بوستان سعدی و گلستان و پندنامه آمده و نسخه‌ها متفرق شده است ولی اگر جمع آنها را به حساب آوریم در میان کتابهای فارسی، دارای رتبه اول است و اگر مجموع کتابهای فارسی و عربی را لحاظ کنیم در رتبه دوم قرار خواهد گرفت.

در خصوص قدیمی‌ترین نسخه این کتاب که تاریخ مشخص برای آن ذکر شده، ابتدا باید از نسخه شماره ۶۴۲ کتابخانه سلطنتی نام برد که قسمتی از گلستان است و به خط «یاقوت مستعصمی» خطاط و خوشنویس مشهور قرن هفتم در ۶۶۸ کتابت شده است و پس از آن نسخه‌ای در کتابخانه مجلس وجود دارد که منتخبی از آن است و به خط «منصور بن کمال‌الدین حسینی» در ۶۹۵ کتابت شده است. این دو نسخه قدیمی‌ترین نسخه موجود در ایران می‌باشند.

۲- **کبری فی المنطق**، تالیف علی بن محمد جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) با تعداد ۵۵۳ نسخه در رتبه دوم کتابهای فارسی است، این کتاب مختصر مدتها به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شده، کثرت نسخه‌های آن نیز ناشی از همین امر است.

۳- **دیوان حافظ** (-۷۹۲ق) با تعداد ۵۴۷ نسخه در رتبه بعدی است. قدیمی‌ترین نسخه این کتاب که تاریخ ۷۹۲ برای آن ثبت شده در کتابخانه ملی ایران است که از کتابخانه پهلوی - مجموعه نوازی به این کتابخانه منتقل شده است و نسخه دیگری که به خط «سلطان علی مشهدی» از خطاطان مشهور قرن هشتم است و در ۷۹۵ کتابت شده، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

۴- **روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء**، تالیف میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۸۳۷-۹۰۳ق) با تعداد ۵۰۵ نسخه در رتبه بعدی قرار دارد. فهرس مختلف تعداد ۲۹ نسخه از این کتاب را، که نسخه‌های آن اغلب تنها بخش‌هایی از آن را شامل می‌شوند، بدون داشتن تاریخ کتابت از قرن ۹ و ۱۰ دانسته‌اند ولی قدیمی‌ترین نسخه دارای تاریخ، متعلق به کتابخانه مدرسه سپهسالار است که در رمضان ۹۰۵ کتابت شده و جلد ششم این کتاب است. نسخه‌ای از این کتاب در مجلس به شماره ۳۰۱۰ است که فهرست‌نگار محترم آن را به خط «مصطفی کاشانی بن آقا رسول» و تاریخ آن را جمادی‌الثانی ۹۲۹ ثبت کرده‌اند که با رقمی که به نقل از کاتب در ادامه آورده‌اند و سال ۱۲۲۹ را نشان می‌دهد منافات دارد و احتمالاً باید خطای چاپی رخ داده باشد و از این کاتب سه نسخه دیگر می‌شناسیم که همگی تاریخ کتابت ۱۲۳۳ دارد که صحت ۱۲۲۹ را نشان می‌دهد.

۵- **مثنوی معنوی**، جلال‌الدین محمد مولوی (۶۰۴-۶۷۳ق) با حدود ۵۰۰ نسخه در رتبه بعدی قرار می‌گیرد و از میان نسخه‌های دارای تاریخ مشخص باید از نسخه مجتبی مینوی یاد کرد که به خط «احمد بن حسین الوباری» است و تاریخ اواخر شوال ۶۳۶ را دارد و پس از آن فیلم دو نسخه در دانشگاه تهران

که اصل آن در دارالکتب المصریه است یکی به خط «محمد بن عیسی حافظ مولوی قونوی» است و تاریخ کتابت اواخر شعبان ۶۶۸ را دارد و دیگری بدون نام کاتب و در ۴ صفر ۶۷۴ کتابت شده است. جالب آن است که نسخه‌های دیگر از همین کتاب به خط محمد بن عیسی حافظ مولوی قونوی در کتابخانه مرعشی است که در ترقیمه آن تصریح به تاریخ ۷۹۵ دارد و یکی از این دو تاریخ مسلماً غلط است و از این کاتب نسخه دیگری نیافتیم تا امکان قضاوت میان این دو وجود داشته باشد.

**۶- الصافی** فی شرح الکافی، تالیف خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱-۱۰۸۹ق) که شرح فارسی او بر کافی مرحوم کلینی است. از این کتاب ۴۱۸ نسخه تا به حال معرفی شده است. جالب آن است که این کتاب هنوز به چاپ نرسیده و کمتر کسی یا مرکزی رغبت برای نشر آن پیدا کرده است و این مقدار نسخه از آن جای تأمل دارد، جز آن که بسیاری از نسخه‌های آن با خط بسیار خوش و بعضاً با تذهیب فراوان پرداخته شده است.

**۷- ابواب الجنان**، تالیف محمدرفع بن فتح‌الله واعظ قزوینی (۱۰۲۷-۱۰۸۹ق) که کتابی روان و اخلاقی است با تعداد ۳۹۹ نسخه در رتبه بعدی است. از میان نسخه‌های دارای تاریخ مشخص، نسخه‌های در ملک با تاریخ ۱۰۲۴ ثبت شده که حتماً خطاست و نسخه‌ای در مدرسه امام صادق قزوین هست که تاریخ ۱۰۲۸ را دارد که آن هم خطاست. نسخه‌ای در مجموعه محدث ارموی است که کاتبی به نام «احمد سوار جلو» دارد و تاریخ کتابت آن ۲۷ جمادی الاولی ۱۰۶۷ ذکر شده است این تاریخ با آنچه برای زمان تألیف آن گفته شده تفاوتی حدود ۱۰ سال دارد که یا آن گمانه اشتباه است و یا این تاریخ صحیح نیست و نسخه‌ای با تاریخ ۱۰۷۹ که مجلد اول آن است در حضرت عبدالعظیم نگهداری می‌شود.

**۸- جلاء العیون**، علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) با تعداد ۳۸۹ نسخه در رتبه بعدی است این کتاب با توجه به موضوع آن و نام مؤلفش مورد توجه عموم بوده و کثرت نسخه آن قابل حدس است.

**۹- حساب**، قوشچی (-۸۷۹ق) که به نام‌های دیگری چون رساله در علم حساب، زبده الحساب و میزان الحساب نیز در فهرس آمده است و متن مختصر و نیکوست که برای مبتدیان و به روش قدیم در علم حساب تالیف شده است و دارای ۳۱۹ نسخه در ایران است.

برخی آن را به وحید قزوینی (۱۰۱۵-۱۱۱۲ق) و برخی آن را به شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰ق) نسبت داده‌اند که با توجه به نسخه‌هایی از آن با تاریخ کتابت ۸۴۲ و ۸۹۷ و ۹۰۳ و ۹۱۹ و ۹۳۲ و ۹۵۶ و ... نسبت آن را به وحید قزوینی و شیخ بهائی منتفی است.

در صورت ادغام کتاب‌های فارسی و عربی پنج کتاب اول دارای بیشترین نسخه بدین شرح خواهد شد.

- |                                   |           |
|-----------------------------------|-----------|
| ۱- کافی با                        | ۱۵۹۰ نسخه |
| ۲- کلیات سعدی و اجزاء آن، جمعا با | ۱۳۲۳ نسخه |
| ۳- الروضة البهیة با               | ۱۲۹۷ نسخه |
| ۴- صحیفه سجادیه با                | ۱۲۲۶ نسخه |
| ۵- کتاب من لایحضره الفقیه با      | ۱۰۹۶ نسخه |

این آمار نشان دهنده کتاب‌هایی است که بیشترین توجه به آن در میان مجامع علمی و آموزشی ایران وجود داشته است. گرچه بررسی‌های دیگری نیز می‌شود داشت همانند این که در چه نقاطی و یا در چه زمان‌هایی توجه بیشتری به آنها شده و دلیل آن چه بوده است که آن را به مجالی دیگر وامی‌گذارم.

## ۲. کهن‌ترین نسخه‌ها

از میان نسخه‌های موجود در ایران، مسلم ارزشمندترین و اقدم آنها به نسخه‌های قرآن کریم باز خواهد می‌گردد که نسخه‌هایی از قرن اول و دوم و سوم معرفی شده است و نسخه‌ای در این سه قرن از کتابی دیگر به جز قرآن معرفی نشده است و فقط از قرن سوم عکس کتاب غریب الحدیث از ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۶ق) که اصل آن در کتابخانه چستربیتی دبلین است و در محرم ۲۷۹ در بغداد کتابت شده در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نگاهداری می‌شود و جز آن، نسخه‌ای نه اصل و نه عکسی از قرن سوم و قبل آن نمی‌شناسیم. اما اگر نسخه‌های قدیمی قرآن را در نظر بگیریم و نسخه‌های عکسی را نیز چون اصل آنها در ایران نیست، خارج کنیم، ده نسخه اقدم در ایران به شرح زیر خواهد بود. ضمناً جهت دقت بیشتر در نقل آن‌ها، نسخه‌هایی را برگزیدیم که دارای تاریخ کتابت مشخص باشد نه نسخه‌هایی که به گمان فهرست‌نگار و بدون داشتن دلیل ثبت شده، به قرن خاصی نسبت داده شده است.

۱- **الهدایة و الضلالة**، تالیف صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵ق). نسخه‌ای از آن به خط کوفی و کتابت «علی بن طاهر بن ابی سعید» به شماره ۱۴۳۷ در **دانشگاه تهران** است که در ۷ جمادی‌الثانی ۳۶۴ق از روی نسخه اصل کتابت شده و خط خود صاحب بن عباد را به تاریخ ۳۶۶ در پایان دارد. این نسخه قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود در کشور است البته به جز نسخه‌های قرآن کریم. فقط نکته‌ای درباره کاتب آن وجود دارد و آن این که از کاتبی به نام «علی بن طاهر بن ابی سعد» نسخه‌ای از نهج‌البلاغه در دانشگاه تهران معرفی شده است که تاریخ کتابت آن ۷ صفر ۶۰۷ است که از روی خط ادیب و شاعر «ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد کرد نیشابوری» (-۴۷۹ق) نوشته شده است. تشابه بسیار این دو نام و تفاوت تاریخ‌های ثبت شده، ایجاد تردید می‌کند. ولی اگر به سخن فهرست‌نگار محترم آن اعتماد کنیم و این دو را یک نفر ندانیم، باید این نسخه را قدیمی‌ترین و برجسته‌ترین نسخه موجود در کشور بنامیم.

۲- **شرح ثمره بطلموس**، تالیف عبدالرحمن بن عمر صوفی (۲۹۱-۳۷۶ق) نسخه‌ای از آن به خط مولف و تاریخ **کتابت ۳۷۱ق** در کتابخانه ملی **ملک** به شماره ۵۹۲۴ نگاهداری می‌شود که دومین نسخه کشور از جهت قدمت می‌باشد.

۳- **شرح دیوان تمیم بن مقبل** از فردی ناشناس و خط نسخ کهن فردی به نام «علی بن ابیطالب» که در تاریخ **۳۸۰ق** کتابت شده و در کتابخانه **آستان قدس رضوی** به شماره ۱۱۹۷۱ نگاهداری می‌شود.

۴- **مسار الشیعه فی التواریخ الشرعیه عن الائمة المهدیه**، تألیف محمدبن محمد مفید (۳۳۶-۴۱۳ق). از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانه **دانشگاه تهران** است که آن را «مظفر بن علی بن منصور

سالار» در ۱۶ ربیع الاول ۳۸۹ ق یعنی ۲۴ سال قبل از رحلت شیخ مفید کتابت کرده است و تاریخ تألیف این کتاب در برخی مآخذ ششم ربیع الاول ۳۸۹ ق آمده است و با این حساب کتابت این نسخه ۱۰ روز بعد از پایان تألیف به سر آمده است.

۵- نسخه شماره ۱۲۵۰۲ در **آستان قدس** رضوی که شامل ۴ رساله است و تاریخ کتابت سیزدهم جمادی الاخر ۳۹۶ ق را دارد که در نیشابور کتابت شده است و نام کاتب آن معلوم نیست. رساله‌های آن عبارت است از: *اظهار مساوی شعرابی الطیب المتنبی* از صاحب بن عباد (۳۲۶ - ۳۸۵ ق)؛ *روزنامه* از صاحب بن عباد که به ابن العمید وزیر رکن الدوله حسن بویه نویسی نوشته در ذکر وقایعی که در بغداد برای او روی داده است؛ *دیوان ابوالفتح بستی* (۳۶۰ - ۴۰۱ ق)؛ *تدبیر الصحة بالمطعم و المشرب*، حنین بن اسحاق (۱۹۴ - ۲۶۰ ق) که همگی به خط نسخ کهن کتابت شده است.

این پنج نسخه از قرن چهارم دارای تاریخ مشخص است.

۶- نسخه شماره ۵۹۲۲ کتابخانه **ملک** که دارای رساله الفوز الاصغر و اجازه‌ای به ضیاءالدین یحیی بن حسن است و هر دو از ابن مسکویه (-۴۲۱ ق) است کاتب آن «غیاث‌الدین محمد بن حمدویه اصفهانی» است و در سال ۴۱۰ ق آن کتابت کرده است که البته در صفحه آغاز آن، صورت اجازه را به خط ابن مسکویه و تاریخ ۴۱۸ نوشته است.

۷- **صحیفه کامله سجادیه**، نسخه‌ای از آن به خط «حسن بن ابراهیم بن محمد الزامی» و کتابت سال ۴۱۶ ق و شماره ۱۲۴۰۵ در **آستان قدس** رضوی است گرچه در جلد ۱۱ و ۱۲ فهرست آن، این تاریخ ۴۱۷ نوشته شده است.

۸- **دیوان الادب** و میزان کلام العرب، تألیف اسحاق بن ابراهیم فارابی (-۳۵۰ ق)، نسخه‌ای در کتابخانه **ملک** به شماره ۳۴۵ دارد که آن را حمزه بن عبدالعزیز مقشری به خط نسخ معرب در تاریخ صفر ۴۱۹ ق نوشته است.

۹- **قوارع القرآن**، تألیف محمد بن یحیی خوری حنیفی (-۴۲۷ ق)؛ از این کتاب نسخه‌ای به شماره ۱۲۴۰۵ در **آستان قدس** رضوی معرفی شده است که آن را ابوعبدالله «احمد بن ابی عمر الاندراپی (یا الاندرانی)» نگاشته و تاریخ قرائت و سماع یک‌شنبه ۱۲ روز گذشته از رمضان سال ۴۲۹ ق را دارد.

۱۰- **اعراب القرآن**، کتابی است بدون نام مؤلف که به خط نسخ در صفر سال ۴۴۶ ق کتابت شده است و ظاهراً مدتی در کتابخانه شخصی شیخ عباس قمی (۱۲۵۴-۱۳۱۹ ش) بوده است و با توجه به یادداشت موجود در میراث شهاب سال نهم، شماره دوم، صفحه ۳۲ ظاهراً این کتاب *معانی القرآن فراء* از یحیی بن زیاد (۱۴۴-۲۰۷ ق) است که به جهت افتادگی در آغاز، فهرست‌نگار محترم آن را نشناخته است. این کتاب در کتابخانه آیه‌الله مرعشی به شماره ۴۶۵ نگاهداری می‌شود. ظاهراً به جز نسخه‌های قرآن کریم، این نسخه قدیمی‌ترین نسخه موجود در این کتابخانه است که تا به حال معرفی شده است.

بررسی کتاب‌ها نشان داد که قدیمی‌ترین نسخه‌ها به زبان عربی است و برای نشان دادن وضعیت کتاب‌های فارسی مناسب است که ۵ نسخه از قدیمی‌ترین نسخه‌های فارسی موجود را نیز اضافه کنیم.

۱- **ذخیره خوارزمشاهی** تالیف اسماعیل بن حسن جرجانی (۴۳۴-۵۳۱ق). نسخه‌ای از آن آقای منوچهر بزرگمهر بوده و کتاب اول تا ششم را شامل می‌شود که در ۲ رجب ۴۸۰ق کتابت شده است. از اصل نسخه که در کجاست اطلاعی ندارم ولی فیلم آن در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. اگر این نسخه در ایران باشد، کهن‌ترین نسخه فارسی موجود است که البته دارای تاریخ مشخص است.

۲- **تفسیر سورآبادی** تالیف عتیق بن محمد سورآبادی (-۴۹۴ق) نسخه‌ای در کتابخانه **مرعشی** دارد که کتابت آن را در **قرن پنجم** دانسته‌اند، اگر این احتمال صحیح باشد، این نسخه یکی از قدیمترین نسخه‌های فارسی موجود در کشور است.

۳- نسخه‌ای با عنوان «**اوراد**» در کتابخانه **آستان قدس** رضوی است که این نام را به جهت معلوم نبودن نام کتاب و افتادگی اول، وسط و آخر، بدان نهاده‌اند و دستور قرائت تعدادی از آیات قرآنی (در تحمید و تسبیح و تهلیل و استغفار) مخصوص به هر یک از روزهای هفته است. کتابت آن را حدود **قرن ۵** دانسته‌اند و اگر این گمان صحیح باشد، نسخه فارسی قدیمی‌ای محسوب می‌شود.

۴- **حدیقة الحقیقه** و **شریعة الطریقه**، از محدود بن آدم سنائی (۴۷۳-۵۲۵ق). نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه پهلوی سابق جزء مجموعه نوازی بوده که به کتابخانه **ملی ایران** منتقل شده است و تاریخ کتابت **۵۳۵** را دارد.

۵- **التفهیم لاوائل صناعة التنجیم**، از ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق). نسخه‌ای از آن به خط نسخ «محمد بن جورابی» که در روز پنج‌شنبه ششم صفر سال **۵۳۸**ق از کتابت آن فارغ شده، در کتابخانه **مجلس شورای اسلامی** است. این پنج نسخه قدیمی‌ترین نسخه‌های فارسی است که در ایران موجود است.

### ۳. پراکندگی نسخه‌های ایران

نسخه‌های خطی در همه ایران پراکنده است و در هر شهری، میان کتابخانه‌های بزرگ و کوچک، امامزاده‌ها و بعضاً مساجد و تکایا، مدارس علمیه قدیم، کتابخانه‌های خصوصی و حتی در بسیاری منازل نگاهداری می‌شود، بالاخص میان خانواده‌هایی که میان اجدادشان عالمی برجسته بوده و پس از فوت او، دست‌نوشته‌ها به ارث میان وراثت تقسیم شده است. آنچه در این پیمایش عرضه می‌شود، آمار است که اطلاعات آن مختصر و یا مفصل به دست آمده است و امکان استفاده از آنها در این فهرستواره میسر شده است. ممکن است و حتماً چنین است که نسخه‌های خطی بسیاری در شهرها و روستا وجود داشته باشد که چون ما اطلاع از آن پیدا نکرده‌ایم و یا اطلاعات آن منتشر نشده، در این پیمایش از آن استفاده نکرده‌ایم. بنابراین دست‌مایه کار، در این پژوهش، تعداد ۳۰۰/۰۰۰ اطلاعاتی است که در این فهرستواره از آن استفاده شده و سهم شهرهای ایران را به تفکیک یادآور می‌شویم و ترتیب شهرها را نیز به نسبت سهم آنها از این اطلاعات مرتب کرده‌ایم.

حتماً چنین است که بسیاری از شهرهای ایران به دلیل پیشینه فرهنگی خود، دارای دست‌نوشته‌هایی



هستند که همچنان ناشناخته مانده و همتی برای فهرست کردن آنها صورت نگرفته است و سهم واقعی آنها در پیشینه فرهنگی و علمی کشور مجهول مانده است. امید دارم با ارائه این آمار و توجه مسئولان فرهنگی و آموزشی شهرهای مختلف ایران به اهمیت معرفی نسخه‌های خطی هر بلاد و مستند کردن سابقه و سهم هر شهر در اعتلاء و فربهی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی، شاهد تلاش آنها در شناختن و معرفی کردن دست‌نوشته‌های شهرها و حتی روستاهای کشور باشیم. وجود نسخه‌های خطی در هر منطقه، نشان تلاش علمی و سند دستاوردهای فرهنگی آن منطقه است.

چنین به نظر می‌رسد که در هر منطقه کشور که فهرست‌نگاری، دارای علقه بوده و اهمیت کار را می‌شناخته است با همت و کاوش او، ناشناخته‌های بسیاری از آن منطقه را کشف و معرفی کرده است و نام آن منطقه را در تاریخ علمی و فرهنگی ایران ماندگار کرده است و با معرفی ذخایر مکتوب آن، هویت علمی و فرهنگی به آن بخشیده است و مناطقی که از یک صاحب همت و متخصص در این فن محروم بوده‌اند، گرچه ممکن است ذخایری با اهمیت‌تر داشته باشند، نتوانسته‌اند سهم آن منطقه و نقش مردم آن را در پیشینه علمی و فرهنگی کشور معرفی کنند.

کاوش‌های صورت گرفته و آماری که از نسخه‌های فهرست‌نشده شهرهای گوناگون تا کنون منتشر شده، نشان می‌دهد که نیمی از ذخایر مکتوب کشور در گمنامی محض است و آنچه در این فهرستواره معرفی شده، فقط کمی بیش از ۵۰٪ از ذخائر کشور را دربر می‌گیرد و این آمار، جز مجموعه‌های ناشناخته بسیاری است که هیچ اطلاعی از آن به دست نیامده است. بدیهی است در صورت همتی فراگیر و جدی در طول چندین سال، می‌توان بزرگترین گنجینه علمی و فرهنگی جهان که محصول تلاش و اندیشه این ملت است را به نمایش گذاشت و هویت تمدن‌ساز مردم ایران را به رخ کشید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۸۸ عنوان نسخه	۳۴- رامسر:	۱۵۲۷۶۵ عنوان نسخه	۱- تهران:
۴۹ عنوان نسخه	۳۵- میبد:	۸۰۰۴۷ عنوان نسخه	۲- قم:
۲۹ عنوان نسخه	۳۶- تنکابن:	۴۴۶۵۶ عنوان نسخه	۳- مشهد:
۱۴ عنوان نسخه	۳۷- اسفراین:	۹۶۴۹ عنوان نسخه	۴- یزد:
۹ عنوان نسخه	۳۸- کرمان:	۷۶۳۳ عنوان نسخه	۵- شیراز:
۹ عنوان نسخه	۳۹- زاهدان:	۶۵۲۸ عنوان نسخه	۶- اصفهان:
۲ عنوان نسخه	۴۰- بجنورد:	۳۱۸۲ عنوان نسخه	۷- همدان:
۱ عنوان نسخه	۴۱- شهرضا:	۲۷۴۷ عنوان نسخه	۸- تبریز:
		۲۰۸۳ عنوان نسخه	۹- کاشان:
		۲۰۷۱ عنوان نسخه	۱۰- کرمانشاه:
		۱۸۸۱ عنوان نسخه	۱۱- خوی:
		۱۲۲۰ عنوان نسخه	۱۲- خوانسار:
		۱۱۳۸ عنوان نسخه	۱۳- چالوس:
		۱۰۸۸ عنوان نسخه	۱۴- قزوین:
		۹۹۶ عنوان نسخه	۱۵- اراک:
		۹۰۰ عنوان نسخه	۱۶- رشت:
		۷۹۱ عنوان نسخه	۱۷- دامغان:
		۶۸۳ عنوان نسخه	۱۸- قائن و زهان:
		۶۸۱ عنوان نسخه	۱۹- اردکان:
		۵۳۰ عنوان نسخه	۲۰- گلپایگان:
		۵۱۱ عنوان نسخه	۲۱- زنجان:
		۵۰۴ عنوان نسخه	۲۲- بابل:
		۵۰۲ عنوان نسخه	۲۳- فردوس و بشرویه:
		۳۸۵ عنوان نسخه	۲۴- ساری:
		۳۶۵ عنوان نسخه	۲۵- مراغه:
		۳۵۷ عنوان نسخه	۲۶- نجف آباد:
		۳۰۶ عنوان نسخه	۲۷- بیرجند:
		۲۰۳ عنوان نسخه	۲۸- قوچان:
		۲۰۰ عنوان نسخه	۲۹- سمنان:
		۱۷۱ عنوان نسخه	۳۰- آشتیان:
		۱۳۹ عنوان نسخه	۳۱- شاهرود:
		۱۰۸ عنوان نسخه	۳۲- اهواز:
		۹۷ عنوان نسخه	۳۳- دزفول:



این آمار نشان دهنده سهم هر یک از شهرهای ایران در این فهرستواره و گویای چگونگی پراکندگی نسخه‌ها در پهنه ایران اسلامی است.

#### ۴. مراکز عمده نگهداری نسخه‌های خطی:

آنچه در این گزارش می‌آید، معرفی و حجم دست‌نوشته‌های برخی مراکز عمده در ایران است که دارای بیشترین حجم نسخه معرفی شده هستند نه لزوماً ذخایر موجود در آن. زیرا آنچه مطرح است این که در مراکز بزرگی همچون آستان قدس رضوی، کتابخانه آیة‌الله مرعشی در قم، کتابخانه ملی ایران و برخی دیگر مقدار موجودی آنها که فهرست و معرفی نشده است بسیار است و ارقام گوناگون نیز گزارش ناموثق می‌شود. آنچه در این گزارش آمده تعداد عناوین نسخه‌هایی است که اطلاعات مفصل و یا مختصر آن تا اواخر سال ۱۳۸۸ شمسی به دست ما رسیده است:

۱- کتابخانه مجلس شورای اسلامی به اضافه مجلس سنای سابق:

عنوان نسخه ۴۳۲۷۲

۲- دانشگاه تهران (به اضافه دانشکده الهیات، حقوق، ادبیات و علوم پزشکی) به ضمیمه نسخه‌های عکسی و فیلم‌های آن:

عنوان نسخه ۴۰۷۰۰

عنوان نسخه ۲۹۸۲۷

عنوان نسخه ۲۸۴۴۶

عنوان نسخه ۲۰۸۸۵

عنوان نسخه ۱۷۵۶۹

عنوان نسخه ۱۵۶۷۱

عنوان نسخه ۱۳۲۸۶

عنوان نسخه ۶۹۶۱

عنوان نسخه ۶۹۲۷

عنوان نسخه ۶۰۶۳

عنوان نسخه ۴۸۴۴

۳- کتابخانه آیة‌الله مرعشی در قم:

۴- کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد:

۵- کتابخانه ملی ایران

۶- کتابخانه ملک تهران:

۷- کتابخانه آیة‌الله گلپایگانی در قم:

۸- مرکز احیاء میراث اسلامی در قم (خطی و عکسی):

۹- کتابخانه مسجد اعظم قم:

۱۰- کتابخانه وزیری در یزد:

۱۱- کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) تهران:

۱۲- دانشگاه فردوسی مشهد (شامل دانشکده الهیات و ادبیات):

این دوازده مرکز عمده‌ترین و بیشترین سهم اطلاعات موجود در این فهرستواره را ارائه نموده و مهمترین مراکز نگهداری ذخایر مکتوب ایران محسوب می‌شوند. مجدد یادآوری می‌کنم که ارقام ذکر شده، اولاً تعداد عناوین نسخه‌هاست بدان معنی که نسخه‌هایی که دارای چند رساله بوده است، از یکدیگر تفکیک و جدا

جدا معرفی شده است و ثانیاً اطلاعاتی است که از نسخه‌های آنها تا اواخر سال ۱۳۸۸ شمسی منتشر شده و یا امکان دسترسی ما به آنها فراهم شده است.

## ۵. دست‌نوشته‌ها و زبان عربی و فارسی

تحولات تاریخی و اجتماعی و حوادث سنگین سیاسی، نقشی بلا سخن در رشد و گسترش علوم و یا در فرود آن داشته است و در این رهگذر تأثیر و تأثرپذیری شگرفی میان اقوام و ملت‌ها بروز نموده که هر کدام پژوهشی است سنگین که دستمایه عمده آن، آثار برجای مانده از جمله میراث مکتوب است. تأثیر زبان عربی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید این تأثیر شگرف را از زمان ورود اسلام به ایران جستجو کرد. عربی به عنوان زبان قرآن و قرآن به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان و اهتمام ویژه مسلمانان به آموختن این کتاب، سرآغاز گسترش این زبان در میان دیگر ملل غیرعرب از جمله ایران است.

به تبع قرآن، دیگر علوم دینی وابسته به آن همچون حدیث، تفسیر، فقه، ... اکثراً به زبان عربی و احاطه به آن برای مسلمانان بالاخص علماء دینی ضروری بود و در پی آن ناگزیر علوم ادبی عربی نیز به عنوان پیش‌زمینه ورود و کاوش در آن، مورد اهتمام و توجه ملل غیرعرب مسلمان قرار گرفت و گسترش یافت. در ایران گرچه هیچگاه گویش عربی در میان عموم مردم رواج نیافت ولی اکثراً به جهت اعتقادات خود، تعلیم قرآن را برای فرزندان خود ضروری دانسته و با آن آشنا بوده‌اند؛ آداب دینی نیز همواره نوعی آمیختگی به زبان عربی داشت که در گسترش این زبان میان مردم ایران ایفاء نقش می‌کرد.

پیشینه فرهنگی ایران پس از اسلام نشان می‌دهد که ادبیات فارسی به صورت روشنی از ادبیات عرب متأثر شده و بسیاری از واژه‌ها به جهت غلبه در استعمال، بار معنایی فارسی به خود گرفته است. البته این تأثیر و تأثر هیچگاه به صورت انفعالی دنبال نشده و ایرانیان در باروری و فربهبی این زبان نقشی اساسی ایفاء کرده اند که از حوصله این مقال خارج است.

مراکز علمی و آموزشی قدیم در ایران که به صورت مکتب‌خانه‌ها و یا مراکز حوزوی دنبال می‌شده، سرآغازی با آشنایی به زبان عربی داشت. در مکتب‌خانه آموزش قرآن سرآغاز آموزش سواد به فرزندان مردم ایران تلقی می‌شد و بسیاری بودند که معروف به داشتن «سواد قرآنی» بودند و در حالی که توانایی نوشتن نداشتند، خواندن قرآن را می‌دانستند. مراکز حوزوی به جهت ماهیت کارشان به صورت طبیعی آموختن زبان عربی را مدخل ورود به مباحث علمی دانسته و به آن اهتمام داشتند. در قدیم - پیش از آغاز به کار مراکز آکادمیک - حوزه‌های علمیه و مدارس دینی تنها مراکز سوادآموزی و تحصیل محسوب می‌شد و تمامی عالمان در هر رشته حتماً به زبان عربی در حد مراجعه به متون عربی آشنایی داشته و در ابتدای تحصیل با ادبیات آن آشنا می‌شدند.

رفته رفته زبان علمی مردم ایران بیشتر زبان عربی شد و اغلب تألیفات عالمانه دانشمندان ایرانی به این زبان نوشته می‌شد؛ تألیفاتی که در زمینه علوم دینی همچون فقه و اصول، فلسفه و حکمت، تفسیر و علوم

حدیث و ... نگاشته می‌شد، اغلب به زبان عربی بود و امروز هم کم و بیش همین سنت دنبال می‌شود و اصولاً فارسی‌نویسی در این گونه زمینه‌ها فاضلانہ تلقی نمی‌شود، گرچه ممکن است جای انتقاد هم داشته باشد. نسخه‌های خطی موجود در ایران خود گواهی روشن بر این تأثیرپذیری است و موضوع این قسمت پیمایشی آماری در این موضوع است تا مستندتر این موضوع را مورد کاوش قرار دهد.

این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۰٪ از نسخه‌های موجود در ایران به زبان عربی است که یا تراوش فکری یک ایرانی است و یا کتابت آن توسط یک ایرانی بوده است و یا این که عالمی شیعی آن را تألیف کرده و ایران به عنوان بزرگترین مرکز تشیع به تکثیر و استنساخ آن پرداخته است.

از میان حدود ۳۰۱/۰۰۰ عنوان دست‌نوشته معرفی شده در این فهرستواره، ۱۸۱/۰۰۰ تماماً یا جزواً به زبان عربی است و ۱۳۳/۰۰۰ آن تماماً یا جزواً به زبان فارسی است و ضمناً ۱۸۹۷ نسخه به زبان ترکی می‌باشد. تفاوت آماری نیز بدان جهت است که برخی نسخه‌ها قسمتی به عربی و یا قسمتی به فارسی است که در هر دو آمار گنجانیده شده است.

این آمار نشان می‌دهد که در ۶۰٪ نسخه‌های موجود در ایران از زبان عربی و در ۴۴٪ نسخه‌ها از زبان فارسی استفاده شده است. این بدان معنی است که نادیده گرفتن تألیفات عربی به معنای نادیده گرفتن بیش از نیمی از میراث مکتوب این کشور است که به‌گونه‌ای جزء تولیدات علمی و فرهنگی ما محسوب می‌شود.

اگر این مقایسه را به تناسب نسخه‌هایی که در شهرهای مختلف ایران است دنبال کنیم، تفاوت جالبی را خواهیم داشت.

شهر تهران با دارا بودن ۱۵۲/۷۰۰ نسخه، ۵۱٪ کل موجودی ایران را در خود جای داده است که فقط ۴۴٪ از آن به زبان عربی است و بقیه به فارسی است و در میان کتابخانه‌های مهم تهران نسبت چنین است:

۴۰٪ عربی و بقیه فارسی	- دانشگاه تهران
۴۵٪ عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه مجلس
۴۰٪ عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه ملک
۶۰٪ عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه ملی
۵۲٪ عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه سپهسالار

حال اگر این مقایسه را در شهرهای دیگر ایران انجام دهیم، نتایج متفاوتی را شاهد خواهیم بود. مثلاً در شهر قم با داشتن بیش از ۸۰/۰۰۰ عنوان نسخه معرفی شده، ۶۳٪ آن به زبان عربی است و بقیه فارسی و آمار کتابخانه‌های مهم این شهر این گونه است:

۷۵٪ به زبان عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه آیة الله مرعشی
۵۰٪ به زبان عربی و بقیه فارسی	- کتابخانه آیة الله گلپایگانی
۵۰٪ به زبان عربی و بقیه فارسی	- مسجد اعظم

در مشهد به عنوان دومین شهر پرنسخه کشور تقریباً همین نسبت دیده می‌شود و حدود ۶۳٪ از آن عربی و بقیه فارسی است. یزد ۵۴٪ عربی و بقیه فارسی؛ شیراز ۵۸٪ عربی؛ همدان ۶۴٪ عربی؛ اصفهان حدود ۶۱٪ از نسخه‌های آن به زبان عربی و بقیه به فارسی است. این تفاوت بیشتر بدان جهت است که مراکز عمده حوزوی در ایران از سالیان دور در شهرهای قم، مشهد، اصفهان، و شیراز بوده و این مراکز به دلیل ماهیت کار خود با کتاب‌های عربی سر و کار داشته‌اند، جز آن که تألیفات این مراکز نیز بیشتر به زبان عربی بوده است. نسخه‌های موجود در تهران که بیشتر در مراکز آکادمیک قرار گرفته به دلیل ماهیت کار این مراکز، گرایش به جمع‌آوری و ساماندهی کتاب‌های فارسی بیشتر دیده می‌شود.

## ۶. زبان و علوم گوناگون

جهت نشان دادن تأثیرپذیری رشته‌های گوناگون و نقش زبان عربی و فارسی در آنها بهتر است با کلی‌تر کردن علوم و دسته‌بندی آنها، کمی با دایره محدودتر به ارزیابی زبان در علوم مختلف پردازیم. موضوعات مطرح شده در فهرس نسخه‌های خطی عموماً کلی است و فهرست‌نویسان چندان تمایلی به ریز کردن موضوعات نداشته‌اند. یک‌دستی خاصی نیز در کار فهرست‌نویسان دیده نمی‌شود و از این جهت کاستی ویژه‌ای وجود دارد. گاه دیده شده به جهت عدم تبعیت از یک روش مشخص به یک کتاب و یا رساله چندین موضوع متفاوت داده شده است. در این پژوهش تلاشی برای نزدیک نمودن موضوعات صورت گرفته ولی نمی‌توان به کامل بودن آن اطمینان داشت.

ما موضوعات گوناگون موجود در فهرس ایران را به چند دسته کلی‌تر به شرح زیر دسته‌بندی کرده‌ایم:

۱- علوم دینی ۲- علوم انسانی ۳- علوم طبیعی ۴- علوم پایه ۵- علوم غریبه

- ۱- علوم دینی، شامل این موضوعات است:
- علوم حدیث؛ شامل موضوعاتی چون حدیث، شرح حدیث، دعا، شرح دعا، رجال، درایه، زیارات و مناجات.
  - علوم قرآن؛ شامل موضوعاتی چون تفسیر، علوم قرآن، قصص قرآن، تجوید، قرائت، فقه قرآن.
  - فلسفه و کلام؛ شامل کلام و اعتقادات و فلسفه.
  - اصول و فقه؛ شامل فقه و اصول فقه.
  - اخلاق؛ شامل سیر و سلوک، آداب و سنن، تعلیم و تربیت، استخاره، مواعظ.
  - عرفان و تصوف
  - ادیان و مذاهب
  - فضائل و مناقب
- ۲- علوم انسانی، شامل این موضوعات است:

ادبیات، شعر، هنر، تاریخ و جغرافیا، تراجم، داستان، صرف و نحو، فرهنگ اصطلاحات، لغت، قانون، موسیقی، انشاء، نامه‌نگاری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، خط، سفرنامه، طنز، حقوق، حکومت و سیاست، عروض و قافیه، اقتصاد، منطق، معانی و بیان و روزنامه و ...

۳- علوم طبیعی، شامل این موضوعات است:

ستاره‌شناسی، هیأت، نجوم، تقویم، اختربینی، پزشکی، کشاورزی، دامداری، بهداشت، حیوان‌شناسی و صنعت.

۴- علوم پایه، شامل موضوعاتی چون ریاضیات، فیزیک، هندسه و شیمی.

۵- علوم غریبه، شامل موضوعاتی چون رمل، جفر، اسطرلاب، کیمیا، خوبگزاری، پیشگویی، طالع‌بینی، فالگیری و قیافه‌شناسی.

این پنج دسته از موضوعات اکثر قریب به اتفاق موضوعات مورد استفاده در فهرس نسخ خطی را پوشش می‌دهد و از این طریق بهتر می‌توان نمایی از کاربرد زبان عربی و فارسی را در علوم مختلف روشن ساخت. از میان بیش از ۳۰۰/۰۰۰ دست‌نوشته معرفی شده در این فهرستواره، این نتایج به دست آمده است.

۱- علوم دینی

از میان نسخه‌های پژوهش شده، حدود ۱۷۰/۰۰۰ نسخه، یعنی حدود ۵۶٪ در یکی از شاخه‌های علوم دینی است که از این تعداد حدود ۷۰٪ آن به زبان عربی و بقیه به زبان فارسی است.

سهم هر یک از شاخه‌های عمده علوم دینی از نسخه‌های خطی معرفی شده و مقدار نسخه زبان عربی آن به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: سهم علوم مختلف از دست‌نوشته‌ها

موضوع	تعداد نسخه	درصد نسبت به کل نسخه‌های عربی	درصد نسخه‌های عربی آن
علوم دینی	۱۷۰/۰۰۰	۵۶٪	حدود ۷۰٪
علوم انسانی	۹۵۵۰۷	حدود ۳۲٪	حدود ۳۵٪
علوم طبیعی	۲۰۶۱۱	حدود ۷٪	۳۷٪
علوم غریبه	۹۶۷۱	حدود ۳/۵٪	۳۷٪
علوم پایه	۵۰۳۰	حدود ۱/۷٪	حدود ۶۸٪

جدول شماره یک، سهم هر یک از علوم مختلف را در مجموعه داشته‌های خطی ایران نشان می‌دهد که علوم دینی دارای بالاترین سهم و علوم پایه دارای کمترین سهم است.

این نسبت در مورد زبان عربی و فارسی تغییر می‌کند، بدین شرح که علوم دینی و علوم پایه ۷۰٪ آن

به زبان عربی است و پس از آن علوم طبیعی است با ۳۸٪ و سپس علوم غریبه با ۳۷٪ و در علوم انسانی با ۳۵٪ به عبارتی بیشتر تألیفات و نسخه‌ها در علوم انسانی به زبان فارسی با ۶۵٪، علوم غریبه با ۶۳٪، علوم طبیعی با ۶۲٪ به زبان فارسی است ولی در علوم دینی و علوم پایه فقط ۳۰٪ آن به زبان فارسی است و بقیه به زبان عربی است. برای داشتن تصویری بهتر، مناسب است در هر یک از این شاخه‌ها نیز کاوش کوتاه آماری داشته باشیم.

### جدول شماره ۲: حجم علوم مختلف دینی و نسبت زبانی آن

موضوع	تعداد نسخه	درصد نسبت به کل	درصد نسبت به علوم دینی	نسخه‌های عربی	درصد آن
فقه و اصول	۵۳۳۹۸	حدود ۱۸٪	حدود ۳۲٪	۴۶۲۴۵	حدود ۸۹٪
علوم حدیث	۳۹۶۰۱	حدود ۱۳٪	حدود ۲۴٪	۲۹۴۱۰	حدود ۷۵٪
فلسفه و کلام	۳۷۰۶۰	۱۲/۴٪	۲۲٪	۲۶۷۱۹	۷۲٪
عرفان و تصوف	۱۶۳۱۲	۵/۵٪	۹/۵٪	۴۰۷۸	۲۷٪
علوم قرآن	۱۴۵۴۴	حدود ۵٪	۸/۵٪	۹۵۹۶	۶۶٪
اخلاق	۹۴۶۷	۳/۲٪	۵/۵٪	۳۴۵۶	۳۷٪

### جدول شماره ۳: جدول سهم موضوعات دینی (تعداد کل علوم دینی: ۱۷۰/۰۰۰)

موضوع	تعداد	درصد
فقه و اصول	۵۳۳۹۸	۳۲٪
علوم حدیث	۳۹۶۰۱	۲۴٪
فلسفه و کلام	۳۷۰۶۰	۲۲٪
عرفان و تصوف	۱۶۳۱۲	۹/۵٪
علوم قرآن	۱۴۵۴۴	۸/۵٪
اخلاق	۹۴۶۷	۵/۵٪

چنان که در جدول شماره ۳ دیده می‌شود با اینکه سهم علوم دینی در مجموعه دست‌نوشته‌ها ۵۶٪ است ولی در میان این شاخه و علوم وابسته به آن، فقه و اصول با ۳۲٪ بالاترین سهم و اخلاق با ۵/۵٪ دارای کمترین سهم می‌باشد و این نمودار نشان می‌دهد که چه علومی در حوزه علوم دینی به فریبی رسیده و چه علومی کمتر به آن پرداخته شده است.



### جدول شماره ۴: علوم دینی و نسبت زبان عربی و فارسی در آن

(درصد این نسبت در کل موضوع علوم دینی حدود ۷۰٪ است و فقط ۳۰٪ فارسی است)

موضوع	کل نسخه	نسخه‌های عربی	درصد
فقه و اصول	۵۳۳۹۸	۴۶۲۴۵	حدود ۸۹٪
علوم حدیث	۳۹۶۰۱	۲۹۴۱۰	۷۵٪
فلسفه و کلام	۳۷۰۶۰	۲۶۷۱۹	۷۲٪
علوم قرآن	۱۴۵۴۴	۹۵۹۶	۶۶٪
اخلاق	۹۴۶۷	۳۴۵۶	۳۷٪
عرفان و تصوف	۱۶۳۱۲	۴۰۷۸	۲۷٪

آنچه در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود و دارای بار معنایی خاص است این که در شاخه علوم دینی در اکثر موضوعات، تألیفات آن به زبان عربی است آن هم با درصدی میان ۸۹٪ تا ۶۶٪ ولی در موضوع اخلاق و عرفان این نسبت کاملاً به عکس شده است و در اخلاق فقط ۳۷٪ به زبان عربی و بقیه فارسی است و مهم‌تر اینکه در عرفان فقط ۲۷٪ عربی و بقیه فارسی است. با توجه به اینکه عرفان از علوم است که بیشتر متوجه خواص است و همانند اخلاق جنبه عام نداشته، بررسی چرایی این که عالمان در موضوع عرفان و تصوف بیشتر راغب به فارسی نویسی بوده‌اند، می‌تواند موضوعی جالب توجه باشد.

علوم انسانی با حجم ۹۵۵۰۷ نسخه در ایران، حدود ۳۲٪ از کل موجودی را به خود اختصاص داده است و در مجموع ۳۳۸۰۶ نسخه از آن، یعنی حدود ۳۵٪ آن به زبان عربی است و بقیه به زبان فارسی است و با توجه به تنوع زیاد موضوعات این شاخه و تفاوت میان آنها، جدول شماره ۵ سهم برخی از علوم را نشان می‌دهد.

### جدول شماره ۵: علوم انسانی و سهم موضوعات مختلف آن

موضوع	تعداد نسخه‌ها	درصد نسبت به کل	درصد نسبت به علوم انسانی
شعر	۳۱۷۰۳	۱۰/۴٪	۳۳٪
تاریخ و جغرافیا	۱۷۹۶۳	۶٪	۱۷/۵٪
صرف و نحو	۱۱۵۳۳	۴٪	۱۱٪
منطق	۸۹۵۶	۳٪	۸/۵٪
لغت	۴۹۴۲	۱/۶٪	کمی بیش از ۵٪
بلاغت	۳۴۷۸	۱/۱٪	۲/۱۵٪
عروض و قافیه	۱۰۰۷	۲٪	۱/۱٪

در جدول شماره ۶ در میان شاخه علوم انسانی، بلاغت دارای بیشترین نسخه به خط عربی و شعر با اینکه دارای بالاترین سهم از جهت دارا بودن نسخه میان شاخه علوم انسانی است که دارای کمترین نسخه به زبان عربی است که به نظر می‌رسد این تفاوت قابل فهم و انتظار باشد.

**جدول شماره ۶: علوم انسانی و زبان عربی و فارسی**

موضوع	تعداد کل نسخه	تعداد نسخه به عربی	درصد عربی
بلاغت	۳۴۷۸	۳۱۸۲	٪۹۰
صرف و نحو	۱۱۵۳۳	۱۰۰۱۲	٪۸۸
منطق	۸۹۵۶	۷۴۰۹	٪۸۴
لغت	۴۹۴۲	۱۶۱۶	٪۳۳
عروض و قافیه	۱۰۰۷	۲۹۴	٪۲۹
موسیقی	۳۱۱	۸۳	٪۲۷
تاریخ و جغرافیا	۱۷۹۶۳	۳۶۶۳	٪۲۰
شعر	۳۱۷۰۳	۴۴۶۷	٪۱۴

موضوعاتی که تحت عنوان علوم پایه دسته‌بندی کرده‌ایم، عمده آن ریاضیات است که شامل حساب و هندسه و ... است. کل نسخه‌های مربوط به علوم پایه ۵۰۳۰ نسخه است، یعنی ۱/۷ کل موجودی ایران و از این تعداد حدود ۶۸٪ آن به زبان عربی است که آن را در جدول شماره ۷ آورده‌ایم.

**جدول شماره ۷: علوم پایه و حجم موضوعات و نسبت آن به زبان عربی**

موضوع	تعداد کل نسخه	تعداد نسخه به زبان عربی	درصد زبان عربی
علوم پایه	۵۰۳۰	۳۴۶۳	٪۶۸
ریاضیات	۴۸۱۱	۳۳۸۱	٪۷۰
فیزیک	۱۰۳	۷۶	٪۷۴
شیمی	۱۱۶	۵	٪۴/۵

در شاخه علوم طبیعی که با حجم ۲۰۶۱۱ حدود ۷٪ کل نسخه‌های ایران را دربرمی‌گیرد، حجم نسخه‌های به زبان عربی آن حدود ۳۷٪ و زبان فارسی ۶۳٪ است که در میان موضوعات آن نسخه‌های پزشکی با ۴۳٪ به زبان عربی بالاترین تعداد و کشاورزی با ۱۴٪ به زبان عربی کمترین آن می‌باشد که آن را در جدول شماره ۸ آورده‌ایم.

**جدول شماره ۸: علوم طبیعی و حجم موضوعات و نسبت آن به زبان عربی**

موضوع	تعداد کل نسخه	تعداد نسخه به عربی	درصد
علوم طبیعی	۲۰۶۱۱	۷۶۶۱	حدود ۳۷٪
پزشکی	۹۷۱۵	۴۱۱۵	حدود ۴۳٪
ستاره شناسی	۱۰۱۱۱	۳۴۰۰	حدود ۳۴٪
حیوان شناسی	۵۴۸	۱۱۱	حدود ۲۰٪
کشاورزی	۱۱۰	۱۵	حدود ۱۴٪

تعداد نسخه موجود در شاخه علوم غریبه ۹۶۷۱ است که ۳/۲٪ کل نسخه‌ها را دربرمی‌گیرد که از این تعداد ۳۵۸۲ نسخه یعنی حدود ۳۷٪ آن به زبان عربی است و در میان موضوعات مختلف آن کیمیا با ۶۸٪ بیشترین تألیف به زبان عربی را دارد و رمل با ۸٪ کمترین را شامل می‌شود که تفصیل آن را در جدول شماره ۹ آورده‌ایم.

**جدول شماره ۹: علوم غریبه و حجم موضوعات و نسبت آن به زبان عربی**

موضوع	تعداد کل نسخه	تعداد نسخه به عربی	درصد
علوم غریبه	۹۶۷۱	۳۵۸۲	۳۷٪
کیمیا	۳۳۸۷	۲۲۴۴	۶۸٪
اسطرلاب	۱۲۲۸	۳۵۱	۳۰٪
رمل	۱۰۱۸	۸۲	۸٪
جفر	۸۶۵	۱۸۶	۲۱٪
خوابگزاری	۴۱۲	۹۵	۲۸٪
قیافه‌شناسی	۱۰۹	۲۵	۲۳٪

در پایان این پیمایش، افزودن نکته‌ای دیگر نیز جالب توجه است و آن اینکه اگر ما خط نسخ را به عنوان نماد نوشتاری زبان عربی بدانیم و خط نستعلیق را نماد نوشتاری زبان فارسی، می‌توان دست‌نوشته‌های موجود در ایران را از این منظر نیز مورد توجه قرار داد. از میان بیش از ۳۰۰/۰۰۰ عنوان نسخه استفاده شده در این فهرستواره، در ۱۴۸۷۷۴ نسخه آن از خط نسخ استفاده شده است و در ۱۳۳۱۸۳ نسخه به خط نستعلیق کتابت شده است که البته برخی نسخه‌ها از هر دو خط استفاده کرده‌اند. اگر این آمار با آمار نسخه‌های خطی به زبان عربی مقایسه کنیم، نسبتی میان ۴۹/۵٪ با ۶۰٪ را خواهیم داشت و این تفاوت نشان می‌دهد که برخی از کتابهای عربی به خط نستعلیق که خط رایج ایرانیان بوده نوشته شده است و

در مواردی متن فارسی به خط نسخ عربی کتابت می‌شده است. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که به خط نستعلیق معرفی شده، نسخه‌ای از «شفا»ست که تاریخ کتابت ۵۰۳ را دارد. اگر فهرست‌نگار محترم به خطا نرفته باشد این نسخه قدیمی‌ترین نسخه موجود به خط نستعلیق در ایران است.

اولین و قدیمی‌ترین کتاب فارسی که به خط نستعلیق نگاشته شده مربوط به «سیاست‌نامه» نظام الملک (۴۰۸-۴۸۵ ق) است که فردی به نام «عبدالرحمن بن هجر العسوی» در محرم ۵۶۴ در شهر رمیه نگاشته و از خط نسخ و نستعلیق شکسته استفاده کرده است. اصل این نسخه در بادلیان است و فیلم آن در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. گرچه عمده استفاده از خط نستعلیق را باید از قرن هفتم به بعد دنبال و جستجو کرد.

### فهرست‌نگاری در ایران

فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در ایران دارای قدمتی حدود ۸۵ ساله است و اولین فهرست‌های ایران که ۳ جلد نخستین فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی کار فهرست‌نگاران پیش‌تاز ایران آقایان افسر، شیخ محمد خالصی، مرتضی قلیخان نائینی، حاج عماد المحققین واعظ تهرانی معروف به عماد فهرستی، میرزا علی اکبر شهیدی ثقة‌الاسلام و اوکثائی و جلد اول کتابخانه مجلس شورای اسلامی است به سال ۱۳۰۵ شمسی بازمی‌گردد. پس از آن حدود ۵۰۰ عنوان فهرست در ایران نشر یافته که از جهت تعداد، ایران را در جایگاه پرکارترین کشورها از جهت فهرست‌نگاری می‌نشانند. حجم انبوه دست‌نویس‌ها در ایران زمینه‌ای بسیار غنی در اختیار علاقمندان به این رشته قرار می‌داد تا بتوانند با معرفی آن، پیشینه پر برگ و بار این ملت را معرفی کنند. در طول سالیان دراز تاریخ فهرست‌نگاری ایران، مجموعه‌ای - گرچه به نام فهرست - در ایران پدید آمد که اطلاعات بسیار متنوعی از قبیل کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، تحلیل و نقادی کتاب‌ها، تراجم و شرح حال مؤلفان و بعضاً کاتبان و حتی اطلاعات ریز و درشت بسیاری از علوم و فنون مختلف را در خود گنجانیده است و در واقع دائرة المعارفی را می‌ماند که فقط نام فهرست به خود گرفته است و بعضاً اظهار نظرهای بسیار عالمانه‌ای را در ضمن خود دارد. گرچه برخی این چنین فهرست نوشتن را نقص می‌پندارند و نوعی اختلاط و درهم‌آمیختگی‌های غیرضرور، ولی به هر صورت آنچه فراهم آمده، فهرست صرف نیست، بلکه کشکولی از اطلاعات متنوع است. این روند البته چندان دوام نیاورد و به مرور فهرس نسخه‌های خطی ایران، به طرف فهرست صرف شدن حرکت کرد و امروز فهرس ایران بیشتر در همین چهارچوب در حرکت است تا پرداختن به اطلاعات حاشیه‌ای و یا اظهارات مربوط و یا نامربوط.

آنچه از یک فهرست‌نگار خبره انتظار می‌رود در مرحله اول، شناخت صحیح نام اثر و نام مؤلف آن است و می‌توان گفت ۷۰٪ کار اصلی و بسیار مهم او در این مرحله است و فقط ۳۰٪ به دیگر خصوصیات نسخه باز می‌گردد و آنچه تفاوت میان یک فهرست‌نگار فاضل و خبره با فهرست‌نگار غیرمتخصص است، صحت و خطای او در این مرحله از کار است. جز آن که فهرست‌نگار لازم است جهت مستند کردن تشخیص خود، ابتدا و انتهای کتاب را دقیق و به مقدار لازم و با جدا کردن دقیق متن مؤلف از متن احتمالی کاتبان، متذکر

شود و جز آن ابدأ نمی‌توان به اظهار نظر بدون ثبت آغاز و انجام کتاب اعتماد کرد. اشتباهاتی که حتی از فهرست‌نگاران بنام و آن هم نسبت به کتاب‌های معروف پیش آمده اندک نیست و در این فهرستواره به برخی از آنها حتماً برخواهید خورد؛ لذا لازم است فهرست‌نگار حتی نسبت به کتاب‌های معروف، از ثبت آغاز و انجام نسخه غفلت نکند.

در این قسمت و پس از تشخیص اولیه، معرفی کوتاه و جامع کتاب اهمیت می‌یابد که می‌بایست همراه با فصول اصلی و چهارچوب‌بندی اصلی آن، راهنمایی ارائه کند که بتوان نسخه‌های دیگر را که قسمتی از متن است تشخیص داد. آنچه در توصیف کتاب در برخی از فهرس ایران آمده و در مقام تحلیل محتوایی آن صفحات بسیاری اشغال شده، گرچه در جای خود مفید است ولی کار فهرست‌نگار نیست آنچه مهم است این که فهرست‌نگار در توصیف اثر به مواردی بپردازد که از او انتظار می‌رود و راه را برای بررسی‌های بعدی بگشاید.

در مرحله بعد تشخیص زمان کتابت و نام کاتب است و یا خصوصیتی که ارزش و اعتبار نسخه را می‌افزاید همانند انجامه‌ها، حاشیه‌ها، تفریظ‌ها، بعضاً مهرها، یادداشت‌ها و ... و مرحله بعد تزئینات و خصوصیات ویژه نسخه از قبیل خط، جلد، کاغذ، تذهیب و ... است که می‌تواند به ارزش فنی و هنری و اعتبار مادی اثر منجر شود.

با انبوه شدن اطلاعات نسخه‌های خطی، بهره‌برداری از آنها دچار مشکل می‌شود و باید برای زودبایی اطلاعات، تغییراتی در شکل کار فهرست‌نگاران روی دهد تا اطلاعات به زحمت فراهم آمده با سرعت و دقت در مدار کار پژوهشگران قرار گیرد. از این روی تعیین اصول کار و رعایت استانداردها در تنظیم فهرست بسیار اساسی و مهم است. ناهماهنگی و عدم رعایت اصول کار و اعمال سلاقی خودساخته و یا اصرار بر روش‌های قدیمی، نتیجه‌ای جز کم بهره شدن زحمت فهرست‌نگار را در پی نخواهد داشت. ما در این فهرستواره تلاش کرده‌ایم تا مداخل اصلی فهرست را به یکدستی و اجمالاً قاعده‌مندی نزدیک کنیم و با توجه به این که حجم بسیار زیادی از اطلاعات در آن گنجانیده شده، انتظار دارم فهرست‌نگاران محترم با رعایت قواعد در تنظیم اطلاعات جدید، متخصصان اطلاع‌رسانی را در اشاعه سامان یافته و کم خطرات آن یاری کنند.

واقعیت آن است که ذخایر موجود در کشور برای جامعه علمی، منبعی پرمایه و برای ملت ایران پیشینه‌ای افتخارآمیز است و وظیفه فهرست‌نگاران و متخصصان اطلاع‌رسانی تبدیل این گنجینه عظیم به بنایی چشم‌نواز و دلپذیر است تا کارایی و اثربخشی خود را پیدا کند. عرضه ناهماهنگ، مغشوش و پراکنده، ارزش و اعتبار این میراث عظیم را کاهش خواهد داد.

بن‌مایه اصلی این فهرستواره زحمت و تلاش بیش از هشتادساله فهرست‌نگاران ایران است و تبدیل آن به مجموعه‌ای اجمالاً قاعده‌مند تا نمایش و اثربخشی بیشتری پیدا کند. اگر این کار بیش از یک دهه زمان به خود اختصاص داد از این روی بود که اطلاعات عرضه‌شده بسیار ناهماهنگ و مغشوش بود و با همه تلاشی که صورت گرفت هنوز بسیاری از آنها باقی است و باید به مرور سامان پیدا کند. روشمند شدن

فهرست‌نگاری، هم زمان کمتری را در تجمیع و کنارهم‌نشانی خواهد گرفت و هم خطای کمتری را در ساماندهی کار موجب خواهد شد.

### سه‌م فهرست‌نگاران

در طول سابقه فهرست‌نگاری در ایران بیش از یکصد نفر در معرفی میراث مکتوب ایران ایفای نقش کرده‌اند و البته سه‌م آنها در معرفی این آثار یکسان نبوده است. عده‌ای به تمام معنی فهرست‌نگار بوده و بیشتر تلاش علمی خود را به این مقوله اختصاص داده‌اند و عده‌ای در برهه‌ای از کار خود بدان پرداخته‌اند و عده‌ای اجمالاً از سر تفنن تعدادی نسخه خطی را شناسانده‌اند. در نظر داشتیم به پاس زحمات و خدمات آنها سه‌م آنها را در این فهرستواره معلوم و تعداد عناوین شناسانده شده از آنها را تعیین کنیم ولی به دلایلی از آن صرف نظر کردم و فقط به این نکته اشاره می‌کنم که در میان همه فهرست‌نگاران ایران سه‌م مرحوم استاد محمد تقی **دانش‌پژوه** چه از جهت تعداد و چه از جهت کیفیت بسیار برجسته و پرمایه است و به حق می‌توان او را **پدر فهرست‌نویسی** نسخه‌های خطی ایران نامید. سه‌م او در این فهرستواره، معرفی ۷۶۵۲۲ عنوان نسخه است و با نفر دوم که سید احمد حسینی اشکوری است با تعداد ۲۸۷۰۵ عنوان، تفاوتی حدود ۳ برابر دارد. با توجه به این نکته که این تعداد فقط مربوط به نسخه‌های خطی و عکسی موجود در داخل است و اگر نسخه‌های معرفی شده از دیگر کشورها را بدان بیافزائیم حدود ۹۰ هزار عنوان را دربر خواهد گرفت که رکوردی بی‌پادمانی و شاید از جهتی دست‌نیافتنی باشد؛ نامش جاودانه باد و روحش قرین رحمت الهی.

به برجستگان و پیشکسوتانی همچون ایرج افشار، عبدالحسین حائری، ابن یوسف شیرازی، سعید نفیسی، احمد گلچین معانی، احمد منزوی، علینقی منزوی، عبدالله انوار، آقا عزیز طباطبائی، سید احمد اشکوری و ... که عمر خود را در راه معرفی میراث مکتوب این مرز و بوم نهاده‌اند و نام خود را در معرفی فرهنگ اسلام و ایران جاودانه کرده‌اند، به آنان که به رحمت خدا رفته‌اند، درود می‌فرستیم و برای آنان که در قید حیات اند، سلامتی و عمری دراز همراه با توفیق بیشتر را آرزو می‌کنیم.

شایسته است حد اقل نام فهرست‌نگارانی را که در طول تاریخ فهرست‌نگاری ایران تلاش کرده و سهمی در این فهرستواره داشته‌اند به اختصار یاد کنیم با این توضیح که اولاً از افرادی نام برده شده که از فهرست آنها در این مجموعه استفاده شده؛ ثانیاً سه‌م و نقش آنها بسیار متفاوت است و ترتیب الفبائی فقط به منظور روشی برای ثبت نام آنها است نه تقدم و تأخر یا اهم و مهم. در هر صورت برای آنهایی که در این مسیر تلاش کرده‌اند و امروز در میان ما نیستند، طلب رحمت و مغفرت داریم و برای آنها که همچنان در تلاش اند آرزوی توفیق و سلامتی.

- ۱- آتابای، بدری  
 ۲- آصف فکرت  
 ۳- ابن یوسف شیرازی  
 ۴- اذکائی، پرویز  
 ۵- اردلان، علی  
 ۶- ارگانی بهبهانی، محمود  
 ۷- استادی، رضا  
 ۸- اشکوری، احمد  
 ۹- اشکوری، جعفر  
 ۱۰- اشکوری، صادق  
 ۱۱- اصغر زاده، اصغر  
 ۱۲- اعتصامی، یوسف  
 ۱۳- افشار، ایرج  
 ۱۴- امینی، محمد حسین  
 ۱۵- انتظاری، رمضانعلی  
 ۱۶- انصاری، محمد باقر  
 ۱۷- انوار، عبدالله  
 ۱۸- انواری علمی  
 ۱۹- اوکتنائی،  
 ۲۰- ایزدپناه، حمید  
 ۲۱- برکت، محمد  
 ۲۲- پیش، تقی  
 ۲۳- بهروزی، علینقی  
 ۲۴- بیانی، مهدی  
 ۲۵- ترابیان، محمد  
 ۲۶- توفیق،  
 ۲۷- حائری، عبدالحسین  
 ۲۸- حائری، محمد علی  
 ۲۹- حافظیان، ابوالفضل  
 ۳۰- حاکمی، اسماعیل  
 ۳۱- حجتی، محمد باقر  
 ۳۲- حسن زاده، حسن  
 ۳۳- حسینی، احمد  
 ۳۴- حضرتی، صادق  
 ۳۵- حکیم، محمد حسین  
 ۳۶- خانی پور، رضا  
 ۳۷- دانش پزوه، محمد تقی  
 ۳۸- درایتی، مصطفی  
 ۳۹- دیباجی، ابراهیم  
 ۴۰- ذکاء، یحیی  
 ۴۱- راستکار، فخری  
 ۴۲- روشن، محمد  
 ۴۳- روضاتی، محمد علی  
 ۴۴- ریاضی، محمد رضا  
 ۴۵- زادهوش، محمد رضا  
 ۴۶- سالاری، علیرضا  
 ۴۷- سمایی حائری، محمد  
 ۴۸- سندنجدی، سلطان حسین  
 ۴۹- سید یونسی، میر ودود  
 ۵۰- شاکری، رمضانعلی  
 ۵۱- شریعتی، مهدی  
 ۵۲- شکور، علی اکبر  
 ۵۳- شیروانی، محمد  
 ۵۴- صدر هاشمی، محمد  
 ۵۵- صدرائی خوئی، علی  
 ۵۶- ضمیری، امیره  
 ۵۷- طاهری، شهاب  
 ۵۸- طباطبائی، عبدالعزیز  
 ۵۹- طباطبائی، محمد (منصور)  
 ۶۰- طیار مراغی، محمود  
 ۶۱- عاطفی، حسن  
 ۶۲- عراقی، آقا مجتبی

- ۹۴- ولائی، مهدی  
 ۹۵- هاشم پور سبحانی، توفیق  
 ۹۶- هدایت، محمد علی

- ۶۳- عرفانیان، غلامعلی  
 ۶۴- عظیمی، حبیب الله  
 ۶۵- غلامی مقدم، براتعلی  
 ۶۶- فاضل، محمود  
 ۶۷- فاضل قائینی، علی

### توضیحات کلی درباره «دنا»

۱- محدوده کار: کلیه آثارخطی که اصل نسخه و یا عکس آن در داخل ایران موجود است و اطلاعاتی از آن (حتی بسیار مختصر و ناقص) تا نیمه دوم سال ۱۳۸۸ شمسی منتشر شده و یا در اختیار ما قرار گرفته است. بنابر این نسخه‌های عکسی هم در شمارش و هم در معرفی لحاظ شده است گرچه بالاچار برخی که عکس نسخه داخلی بوده تکرار شده است.

۲- تلاش آن بوده که حداکثر اطلاعات ممکن در کشور جمع‌آوری و در «دنا» از آن استفاده شود. به جز فهرست‌های منتشرشده و یا اطلاعاتی که از نسخه‌های خطی ایران در مجلات و یا برخی ویژه‌نامه‌ها منتشرشده و ما از آن استفاده کرده‌ایم، و یا تک‌نگاری‌هایی که در قسمتی از آن به معرفی نسخه‌ها پرداخته‌اند، قسمتی از اطلاعات موجود در فهرستواره از سیاهه‌های اولیه و یا با استفاده از اطلاعات اولیه رایانه آن‌ها تهیه شده است و یا اطلاعاتی است که توسط مؤسسه الجواد فهرست شده ولی هنوز فهرست آن منتشر نشده است (قسمتی از آن‌ها با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی در دست چاپ است و احتمالاً در آینده عرضه می‌شود). لذا ضمن تشکر از این مراکز بالاخص مسؤولان محترم کتابخانه ملی ایران که اطلاعات موجود در رایانه خود را در اختیار ما نهادند و مسؤولان محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که امکان دسترسی به اطلاعات موجود در دفتر

- ۶۸- فاضل هاشمی، محمد رضا  
 ۶۹- فرزانه پور، غلامرضا  
 ۷۰- فرشچی، معصومه  
 ۷۱- فقیری، محمد صادق  
 ۷۲- فقیه امامی، احمد  
 ۷۳- قاسمی، رحیم  
 ۷۴- گلچین معانی، احمد  
 ۷۵- مایل هروی، نجیب  
 ۷۶- متقی، حسین  
 ۷۷- محقق، مهدی  
 ۷۸- مختاری، رضا  
 ۷۹- مدرسی طباطبائی  
 ۸۰- مدیر شانه چی، کاظم  
 ۸۱- مرعشی نجفی، محمود  
 ۸۲- معیری، زهره  
 ۸۳- مقصود، جواد  
 ۸۴- مقصود، رضا  
 ۸۵- منزوی، احمد  
 ۸۶- منزوی، علینقی  
 ۸۷- موسوی، میر محمود  
 ۸۸- ناطقی، علی اوسط  
 ۸۹- نظری، محمود  
 ۹۰- نفیسی، سعید  
 ۹۱- نقیعی، حسن  
 ۹۲- نورانی، عبدالله  
 ۹۳- وفادار مرادی، محمد



ثبت نسخه‌های خطی خود را میسر ساختند، باید اشاره کنم که اطلاعات موجود در «دنا» به مراتب بیش از اطلاعات نشریافته در کشور است که حجم آن به حدود پنجاه هزار نسخه می‌رسد.

۳- به جهت حداکثر صرفه‌جویی و حداکثر بهره‌برداری، رموزی در فهرستواره به کار رفته است که در بخش معرفی رموز توضیح داده شده است.

۴- نام رساله و کتاب یکی از مهمترین مداخل است. آنچه در فهرس ثبت شده بسیار ناهماهنگ، متفاوت و بعضاً مغلوط است. برخی از نام‌ها نه آن است که مؤلف بر آن نهاده، بلکه نامی حدسی است که کاتب و یا فهرست‌نگار بدان داده‌اند. از این رو، بسیار پیش آمده که یک اثر با چندین نام در فهرس ثبت شده و کوچکترین اشاره‌ای به همانندی آن نشده است و یا این که خود مؤلف به دلایلی از اثر خود به چند نام یاد کرده و همین باعث شده که یک اثر به چندین نام در فهرس آمده باشد و در عین حال اشاره به همانند بودن آن نشده باشد و یا این که اثری به دلیل ناقص بودن و یا دلیل دیگر نام آن برای فهرست‌نگار معلوم نشده، و فهرست‌نگار با استفاده از قراین، نامی برای آن برگزیده، در صورتی که اثر دارای نام مشخص بوده است و ... نتیجه آن که ما با اطلاعات پراکنده و غیر قابل اعتمادی روبه‌رو هستیم که لازم است راهی برای کاستن آن پیدا کنیم. کاری که وقت بسیاری برای آن گذاشته شد تا قسمتی از آن را مرتفع ساخته و از تفرق و اشتباه آن بکاهیم. مهمترین ابزار ما تطبیق آغاز و یا انجام نسخه بود گرچه قراین دیگری را نیز به کار بستیم تا ثبت نام کتاب اجمالاً دقیق‌تر آورده شود. باید اذعان کنم که تجربه تطبیق نشان داد که به فهرستی که آغاز و انجام نسخه را ثبت نکند ابدأ نمی‌توان اعتماد کرد و خطاهایی رخ داده است که فقط با تطبیق آغاز و یا انجام می‌توان فهمید.

در تقدم و تأخر و یا ترجیح نامی بر نام دیگر، شاید دقت لازم را به کار نبستیم ولی تلاش کردیم تا اثری را به چند نام و در چند جا معرفی نکنیم که البته این کار بیشتر در مورد نسخه‌هایی انجام شد که دارای آغاز و انجام بوده‌اند ولی درباره دیگر نسخه‌ها دچار محدودیت بوده‌ایم. در تطبیق آغاز و انجام، چه بسیار نسخه‌های مجهولی که شناخته شده و چه بسیار نسخه‌های غلط معرفی شده‌ای که اصلاح شد و چه بسیار نسخه‌هایی که گرچه نام مؤلف آن معلوم نبود، ولی در یکجا و کنار هم چیده شده تا امکان بررسی‌های بعدی را آسان‌تر کند. آثاری که دارای چند اسم بوده‌اند و یا به چند نام در فهرس ثبت شده‌اند، یک نام را در ابتدا قرار دادیم و بقیه نام‌ها در دنباله نام کتاب آمده و با علامت «=» از یکدیگر جدا شده است؛ و نام‌های دیگر در جای الفبایی آن، به نام اول ارجاع شده است. همان‌گونه که متذکر شدم در انتخاب نام اول، و سواس چندانی به کار نرفته است.

در انتخاب نام کتاب تصرفات مختصر دیگری نیز انجام شده است که به آنها اشاره می‌شود:

۱-۱- کلیه آثاری که با نام‌های «مثنوی»، «رباعی»، «چندبیتی»، «شعر»، «قصیده»، «قصائد»، و نام‌های مشابه بوده است، در صورتی که نام مؤلف آن معلوم بوده، تحت عنوان «دیوان» آمده است و اگر مؤلف آن نامعلوم بوده تحت عنوان «اشعار» آمده است.

۱-۲- این قاعده فقط در مورد عناوینی که معروف است، رعایت نشده و به همان نام در فهرست آمده است: مثل رباعیات خیام، و یا رباعیات بابا طاهر و یا قصیده بانت سعاد و یا قصیده برده و ...

۳-۱- عناوینی چون «رساله در ...» و یا «کتاب ...» از ابتدای نام کتاب، یا حذف و یا در انتهای نام داخل ( ) قرار داده شده است. بنابر این چنین آثاری را منهای این کلمات باید جستجو کرد.

۴-۱- این قاعده در مورد کلماتی چون «مختصر»، «منتخب»، «ترجمه» نیز به کار رفته است. در این موارد نام اصلی اثر آمده و کلمه ترجمه و یا مختصر و یا منتخب در آخر نام کتاب و داخل ( ) آورده شده است. لازم به ذکر است این رویه در مورد کتاب‌هایی اعمال شده که مترجم یا مختصر کننده و یا انتخاب کننده، نام مشخص دیگری به اثر نداده باشد. به عنوان مثال مختصر تحفه الابرار به «تحفه الابرار (مختصر)» تغییر یافته است.

۵-۱- منظومه‌هایی که دارای نام مشخص بوده‌اند، تحت همان نام آمده است.

۶-۱- آثاری که ابتدای آن کلمه منظوم و یا منظومه بوده، مثل منظومه‌ای در منطق، بدین شکل تغییر یافته «منطق منظوم» و یا «المنطق (منظومه)».

۷-۱- عباراتی که در ابتدای نام کتاب آمده و معنایی جهت راهنمایی ندارد مثل «قسمتی درباره ربا» و مانند اینها، به عنوان «ربا» تغییر یافته و عبارت حذف شده در قسمت مباحث افزوده شده است. لازم به ذکر است که این موارد بیشتر در مورد کتاب‌هایی پیش آمده که نام ذکر شده، از طرف فهرست‌نگار بدان داده شده و نام اصلی کتاب نمی‌باشد.

۸-۱- کلیه رساله‌های حدیثی که نام خاصی نداشته و فهرست‌نگاران نام‌های ناهماهنگ و مختلفی بدان داده‌اند، همگی تحت عنوان «احادیث» آمده است و در صورتی که توضیحی راجع به محتوای آن در فهرس موجود بوده، در قسمت توضیحات آورده شده است.

۹-۱- در مورد کتاب‌ها و رساله‌هایی که محتوی دعا بوده‌اند و اکثراً فاقد مؤلف‌اند و با نام‌های بسیار متفاوت و ناهمگون ثبت شده، همگی تحت عنوان «ادعیه» آمده است، جز کتاب‌هایی که دارای نام مشخص بوده‌اند که تحت همان عنوان آمده است.

۱۰-۱- چون تمامی محتوای مجموعه‌ها تفکیک و جدا جدا در فهرستواره آورده شده است، بنابراین مجدداً تحت عنوان «مجموعه» نخواهد آمد. جز در مورد مجموعه‌هایی که چند رساله از یک مؤلف را در خود جای داده است که این مجموعه‌ها تحت عنوان «رسائل» و در جای الفبایی خود آمده است.

۱۱-۱- نسخه‌هایی که تحت عنوان «مجموعه» در فهرس آمده ولی محتوای آن نشان می‌دهد که نسخه شامل رساله‌های جدا و قابل تفکیک نیست، این موارد به «جنگ» تغییر یافته است. برعکس آن، نسخه‌هایی که نام «جنگ» بدان داده شده، ولی رساله‌های جدا جدا و قابل تفکیک دارد، در این موارد، نسخه به «مجموعه» تغییر نام یافته و کلیه رساله‌های آن جدا جدا در فهرستواره معرفی شده است.

۱۲-۱- عناوینی چون: پراکنده‌ها، گوناگون، و ... همگی تحت عنوان «متفرقات» آمده است.

۱۳-۱- عناوینی چون «بیاض» و یا «جنگ» گرچه از جهاتی همپوشانی دارند ولی برای این دو عنوان به نظر فهرست‌نگار اعتماد کردیم و هر چه در فهرست آورده‌اند، در فهرستواره نیز گنج‌نایدیم.

۱۴-۱- عناوین عام همانند: جنگ، اشعار، احادیث، نجوم، جفر، بیاض و ... بالاخص عناوینی که فاقد نام مؤلف است، به جهت خارج شدن از ابهام، تمام و یا قسمت‌هایی از محتوای آن در قسمت مباحث آورده

شده است تا اطلاعاتی راجع به آن به خواننده منتقل شود. گرچه این کار باعث شد در مورد برخی کتاب‌ها، از حالت تلخیصی خارج شویم و حجم بسیاری به آنها اختصاص دهیم.

۱-۱۵- در مورد کتاب‌های عربی که نام کتاب با الف و لام اضافی آمده، در ردیف الفبایی، الف و لام اول کلمه لحاظ نشده و حروف بعد از الف و لام ملاک ترتیب الفبائی بوده است. این رویه در مورد کلیه کلمات عربی چه در اول و چه در وسط و یا آخر ملاحظه شده است. به عنوان مثال: المنطق، در حرف میم آمده است؛ و کلمه «آداب نکاح» و «آداب النکاح» به دلیل تفاوت نوشتاری در کلمه دوم، در دو جا ثبت نشده است. بنابراین مراجعه‌کننده محترم باید به این تفاوت‌ها توجه کند و جملات عربی در نام کتاب را منهای الف و لام زاید دنبال کند و جستجوی خود را تا یافتن نام کامل اثر دنبال کند. ضمناً این قاعده در مورد ارجاعات نیز اعمال شده است.

۱-۱۶- در سیستم ارجاعات مهمترین کار، ارجاع نام دیگر کتاب به نام انتخاب شده است که حداکثر تلاش صورت گرفته است. ولی در برخی کتاب‌ها و یا رساله‌ها، ارجاعاتی جهت راهنمایی صورت گرفته با این‌که نام دیگر یک اثر محسوب نمی‌شود. ولی بدان جهت که در راهنمایی مراجعه‌کننده مهم تشخیص داده شد، از آن استفاده شده است.

۵- بعد از نام و نام‌های دیگر کتاب، و در همان ردیف، موضوع و زبان اثر آمده است و با علامت / از هم جدا شده است. در ثبت موضوع گرچه مفیدتر آن بود که ثبت موضوع، دقیق‌تر و جزئی‌تر باشد؛ ولی به دلیل عدم رعایت تمامی فهرست‌نگاران خطی و عدم امکان دسترسی کامل ما به نسخه، ما نیز از موضوعات کلی استفاده کردیم.

۶- بعد از زبان، و در کنار آن شماره‌های داخل قلاب [] قرار گرفته است که نشان‌دهنده تعداد نسخه هر کتاب است تا مراجعه‌کننده ابتدائاً از تعداد نسخه هر کتاب آگاه شود.

۷- دومین مدخل بسیار مهم نام مؤلف است که در این مدخل چند کار اساسی در «دنا» دنبال شده است که به آن پرداخته می‌شود:

۱-۱- یکسان‌سازی و تلاش برای ثبت هماهنگ نام مؤلفان ضرورتی است که مدتهاست متخصصان اطلاع‌رسانی در کشور برای آن تلاش کرده‌اند تا از ناهماهنگ‌نویسی بکاهند و راه را برای طبقه‌بندی کارآمد اطلاعات - بدون ریزش و اختلاط - فراهم سازند. نام نویسنده امروز در طبقه‌بندی اطلاعات مهمترین مدخل است گرچه در گذشته نام اثر، بیش از نام نویسنده مورد توجه بوده است و به نظر نمی‌رسد با تحولات پیش آمده در تولید علم، این گذشته تکرار شود و اثری بتواند بیش از مؤلف آن شهرت پیدا کند لذا امروز نام مؤلف مهمترین مدخل تلقی می‌شود و سرشناسه قرار می‌گیرد گرچه این رویه در مورد کتاب‌های چاپی بیشتر معمول است و شاید تعمیم آن به نسخه‌های خطی چندان مطابق واقع نباشد و ما نیز در این فهرستواره نام کتاب را اصل قرار داده‌ایم ولی همان وسواس را درباره نام نویسنده نیز به کار بردیم تا رسیدن به اطلاعات از طریق نام نویسنده نیز بدون اختلاط صورت گیرد. در این راه اولین اثر در مورد نام مؤلفان، تدوین و انتشار «مستند مشاهیر» کار کتابخانه ملی ایران بود. به نظر ما این کار می‌تواند مینا باشد، گرچه فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی کمتر از آن استفاده کرده‌اند. مینا قرار دادن مستند مشاهیر به معنای عدم

کاستی در این کار نیست و ما تلاش نموده‌ایم با رعایت اصول کار، برخی از نواقص کاسته شود. این کار گرچه زمان بسیاری را به خود اختصاص داد ولی تمامی آثار خطی ایران به یک روش مشخص و نسبتاً استاندارد درآمد و این کاستی در مورد نسخه‌های خطی مرتفع گردید. امیدوارم فهرست‌نگاران محترم و معزز با رعایت اصول به کار رفته شده در این فهرستواره، روش هماهنگ‌تری را در تدوین فهرست‌های آینده دنبال نمایند تا زحمت آنها کاربردهای بهتری داشته باشد.

۲-۱- برای تدوین و مستند کردن نام مؤلفان، ابتدا تمامی اطلاعات درج شده در مستند مشاهیر ثبت و در رایانه ذخیره شد و پس از آن با استفاده از تراجم و اطلاعات موجود در فهرس به تکمیل و مستندات آن پرداخته شد و اشتباهات احتمالی مرتفع گردید و بعضاً نام مستندشده در مستند مشاهیر تغییر یافت و نام‌های مستند نشده - که اندک هم نبود - به آن افزوده شد و همان قواعد به کار گرفته شده در مستند مشاهیر رعایت شد. در ادامه کار برای فراهم آوردن یک بانک جامع تر مؤلفان، اطلاعات بیشتری به صورت مستند آماده و در سیستم ثبت گردید تا در مراحل بعدی کار استفاده شود؛ همچون مذهب مؤلف به صورت سامان یافته، جنسیت، تخصص‌ها و جهت فکری او و اطلاعات دیگری که ممکن بود در بهره بیشتر به کار آید. به مرور ما دارای یک بانک اطلاعات نسبتاً کارآمدی از مؤلفان شدیم که توانمندی ویژه‌ای در تنظیم و استخراج مطالب دارد و با ضمیمه شدن به بانک اطلاعات نسخه‌های خطی، امکان تنظیم و تدوین گزارش‌های بسیار متنوعی را فراهم نمود؛ به عنوان مثال تفکیک آثار شیعه، اسماعیلیه، زیدیه، سنی و با تفکیک مذاهب چهارگانه و غیر آن؛ امکان گزارش از تألیفات در قرن خاص، امکان گزارش‌گیری از آثار عارفان، فیلسوفان، متکلمان، ریاضیدان‌ها، شعراء، موسیقیدان‌ها، پزشکان، فقیهان و دیگر تخصص‌های موجود. گرچه ما اطلاعات اندکی از آن را در «دنا» استفاده کردیم ولی در کنار آن بزرگترین بانک مؤلفان دست‌نوشته‌های ایران در مرحله اول و در دنباله همه دست‌نوشته‌های جهان اسلام را همراه با مستندات آن (شامل زندگی‌نامه؛ آثار، و منابع قابل مراجعه) فراهم خواهیم آورد تا مورد استفاده‌های بعدی بالخصوص در بانک اطلاعات نسخ خطی قرار گیرد.

۳-۱- در مستند نمودن نام مؤلف، همانند روش مستند مشاهیر دنبال شده و در مورد تاریخ وفات و تولد مؤلف، سال هجری قمری مبنای قرار گرفت چون کاربرد بیشتری در مورد مؤلفان نسخه‌های خطی داشت.

۴-۱- تلاش شد حتی المقدور سال تولد و وفات مؤلف استخراج و ثبت شود و یا سال وفات و در صورت نامعلوم بودن، قرن زندگی مؤلف را تعیین کنیم که البته درباره همه مؤلفان موفق نشدیم ولی بسیاری از مؤلفان را کامل کردیم. تاریخ سمت راست خط تیره « - » سال تولد و تاریخ سمت چپ خط تیره سال وفات مؤلف است. و علامت «ق.»، «ش.»، «م.»، «م.»، «ق.م.»، «ق.ه.» بعد از تاریخ، به ترتیب سال قمری، سال شمسی، سال میلادی، قبل از میلاد و قبل از هجرت است.

۵-۱- برخی از سال‌های تولد و یا وفات مورد اختلاف است که علامت سؤال (?) قبل از سال تولد و یا وفات نشان اختلاف در سال می‌باشد.

۶-۱- در مورد نام مؤلف، پس از نام خانوادگی فقط نام مؤلف و نام پدر او آمده و نام اصلی با یک ویرگول (،) و با یک فاصله از حرف قبل و بعد آن جدا شده است.

- ۷-۱- نام مؤلف در تمامی آثار معرفی شده، یکسان ثبت شده و از این جهت این فهرستواره منحصر به فرد است. گرچه هنوز دچار کمبودها و مشکلات بسیاری است که به مرور باید مرتفع کرد.
- ۸-۱- در مورد برخی از نام‌ها، نام مشهور شده او را به نام واقعی مؤلف ترجیح دادیم چون آن را زودیا بتر از نام واقعی او دانستیم همانند «شهید ثانی» و «شهید اول» و «شیخ بهائی» و «صاحب معالم» و «صاحب جواهر» که شاید دانستن نام واقعی آنها بسیار غریب و ناآشنا تلقی می‌شود.
- ۷- از کارهای دیگر، ثبت وابستگی اثر به اثری دیگر است. این کار بیشتر در مورد حاشیه‌ها، شرح‌ها، تعلیقه‌ها، ترجمه‌ها، منتخب‌ها، مختصرها و ... به کار رفته است که در «دنا» که فهرستی خلاصه است می‌تواند کارگشا باشد. بالاخص این که برخی از آثار به جهت نام‌گذاری خاص، علامتی که گویای وابستگی باشد، در آن وجود ندارد. این کار گرچه زمان بسیاری از ما گرفت ولی به نظر می‌رسد در کارایی بیشتر «دنا» مؤثر است. در این موارد بعد از عبارت «وابسته به:» نام کتاب به صورت کامل و همان‌گونه که در این «دنا» ثبت شده، همراه با نام مؤلف آن، همراه با تاریخ تولد و وفات او آمده است و می‌توان به راحتی آن را در «دنا» و در جای‌الفبایی آن پیدا کرد. البته ثبت این وابستگی در صورتی است، که نسخه‌ای از اثر اصلی در ایران موجود باشد. از این جهت این فهرستواره منحصر به فرد است.
- ۸- بعد از مداخل کتاب‌شناسی، معرفی نسخه‌ها آغاز می‌شود که در ابتدای آن شماره‌ای است که از ابتدای فهرستواره به صورت مسلسل آغاز شده و تا پایان ادامه می‌یابد. این شماره نشان‌دهنده تعداد نسخه‌هایی است که در این فهرستواره معرفی شده است.
- ۹- بعد از شماره مسلسل و در داخل ( ) سه مدخل اساسی ثبت شده است: ۱- نام شهری که نسخه در آن نگهداری می‌شود؛ ۲- نام محلی که نسخه معرفی شده در آنجاست و عمده آنها کتابخانه‌های عمومی و خصوصی است. البته نام اکثر این مراکز خلاصه شده است و برای شناخت نام کامل آن به بخش توضیح رموز مراجعه نمایید؛ ۳- شماره بازیابی نسخه؛ یعنی شماره‌ای که نسخه را می‌توان در آن کتابخانه پیدا کرد. به عنوان مثال در عبارت (تهران - دانشگاه ش: ۷۱۹۱/۱۱)، تهران نام شهری که کتابخانه در آن قرار دارد؛ دانشگاه به معنای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مکانی که نسخه را نگهداری می‌کند؛ ش: به معنای شماره است که بعد از آن قرار دارد و در پی آن شماره نسخه در محل معرفی شده است، بنابراین برای مراجعه به نسخه باید این شماره را در نظر گرفت. در ثبت شماره بازیابی نسخه اگر نسخه حاوی یک اثر باشد، شما یک شماره خواهید دید و اگر مجموعه‌ای باشد که در آن چند رساله قرار داشته باشد، بعد از شماره اصلی نسخه، شماره‌ای قرار دارد که جای این رساله را در آن مجموعه نشان می‌دهد. مثلاً در نمونه بالا شماره ۷۱۹۱ شماره نسخه است و شماره ۱۱ که بعد از خط مورب / قرار دارد نشان‌دهنده این است که این رساله یازدهمین رساله آن مجموعه می‌باشد. البته فقط در شماره کتابخانه گلپایگانی قم، تفاوتی دیده می‌شود که شماره‌ها را افزایش داده است. شماره این کتابخانه دارای سه قسمت است: دو شماره در ابتدا از سمت چپ که با خط مورب / از هم جدا شده است. این دو شماره مربوط به قفسه‌هاست که در کتابخانه شماره اول صورت و شماره بعد در مخرج قرار دارد. و سپس بعد از خط تیره (-) شماره‌ای دیگر قرار دارد که شماره نسخه محسوب می‌شود ولی برای یافتن نسخه دو شماره اول مورد نیاز است. البته اگر

نسخه دارای چند رساله باشد بعد از شماره آخر با خط مورب (/) مشخص شده که نشان‌دهنده جای این رساله در آن مجموعه است.

۱۰- بعد از اطلاعات اولیه نسخه و بسته شدن پرنتر به ترتیب اطلاعات زیر آمده است: ۱- اگر نسخه در فهرست ناشناس باشد، و در فهرستواره شناخته شده باشد در این قسمت توضیح داده می‌شود و یا اگر تفاوت نام کتاب و یا هر توضیحی که تفاوت مأخذ اصلی با فهرستواره باشد ابتدا آورده می‌شود. در دنبال آن مباحث نسخه آورده می‌شود. لذا این مطالب در تمامی نسخه‌ها موجود نیست فقط شامل نسخه‌هایی می‌شود که نیازمند این توضیحات می‌باشد؛ ۲- خط نسخه (متأسفانه در ثبت خط نسخه و نام کاتب در فهرستواره ناهماهنگی ایجاد شد و آن هم به دلیل اشکالی بود که هنگام پیاده کردن اطلاعات پیش آمده بود و زمانی به این تغییر آگاه شدم که کار زیادی پیش رفته بود و اصلاح آن مستلزم زمان نسبتاً زیادی بود. قاعده آن است که خط نسخه، قبل از نام کاتب آن ثبت شود و این رویه تا آخر جلد سوم رعایت شده ولی از جلد چهارم به بعد نام کاتب قبل از خط نسخه آمده است که خلاف رویه است و از این جهت باید پوزش بخواهم ولی این ناهماهنگی خود خواسته نبود و بر اثر یک غفلت اتفاق افتاد)؛ ۳- کاتب نسخه؛ ۴- تاریخ کتابت نسخه (در صورت مشخص نبودن تاریخ کتابت نسخه کلمه «بی تا» آمده است)؛ ۵- تعداد برگ‌ها و یا صفحات نسخه؛ ۶- مشخص کردن جای نسخه در مجموعه‌ها که در داخل پرنتر ( ) قرار دارد؛ ۷- آدرس نسخه در مأخذی که نقل برخی اطلاعات از آن بوده است که در داخل قلاب [ ] قرار دارد. در نقل مأخذ اگر نام فهرست و نام مرکز نگهداری تقریباً همانند باشد، علامت «ف» قرار دارد که به معنای فهرست آن کتابخانه است و شماره و یا شماره‌های بعد، شماره جلد و صفحه مأخذ می‌باشد. شکل کار در آدرس‌دهی مأخذ بدین‌گونه است که شماره اول از سمت چپ، شماره صفحه است و شماره بعد از خط تیره شماره جلد مأخذ است اگر مأخذ چند جلدی باشد، مثلاً [ف: ۲- ۲۴۵] یعنی فهرست جلد دوم صفحه ۲۴۵. اما در مورد مأخذی که نام آن متفاوت با نام محل نگهداری است به صورت اختصاری نام مأخذ آمده است که برای شناخت نام کامل آن باید به قسمت توضیح رموز و اختصارات مراجعه شود.

### چیدمان فهرستواره

شکل تنظیم و چیدمان کتاب‌ها و رساله‌ها در «دنا» از قاعده خاصی پیروی می‌کند که به برخی از موارد مهم آن اشاره می‌شود:

- ۱- فهرست بر اساس نام الفبایی کتاب‌ها و از حرف «آ» تا «ی» مرتب و چیده شده‌اند.
- ۲- در مرتب‌سازی نام کتاب‌هایی که عربی است و ابتدای آن با الف و لام زاید آغاز شده، الف و لام زاید، در مرتب‌سازی لحاظ نشده و حرف سوم آن به عنوان اولین حرف ملاک بوده است. این قاعده در مورد کلمات دوم و سوم و ... نیز رعایت شده به جز در مواردی خاص جهت کنار هم چیدن‌های ضروری. بنا بر این باید کلمات را منهای الف و لام زائد اول آن در کلمات عربی در نظر گرفت.
- ۳- به دلیل آن که در سیستم، حروف عربی دیده شده، و ردیف الفبایی عربی و فارسی در حروف «ه» و «و» متفاوت است بدین‌گونه که در فارسی حروف آخر به ترتیب «و» و «ه» و «ی» است و در عربی «ه»

و «و» و «ی»، لذا در مرتب‌سازی این حروف در ابتدای کلمات رعایت قاعده فارسی شده است ولی در حروف بعدی و کلمات دوم و سوم امکان این تبدیل وجود نداشت و از این جهت در مرتب‌سازی‌های ریزتر کمی پس و پیش وجود دارد که علت آن همین مسأله است.

۴- کتاب‌هایی که دارای یک اسم اند ولی مؤلفان متفاوت دارند، همانند «آداب‌البحث»، جهت اعمال رویه‌ای مناسب، کتاب‌ها به ترتیب تاریخ وفات مؤلفان از اقدم به متأخر چیده شده تا سیری تاریخی از آن بحث را به خواننده منتقل نماید و برای این منظور اجمالاً دستکاری‌ها و یا خروج از قاعده مرتب‌سازی نیز به کار برده شده است.

۵- کتاب‌های همانند که بدون نام مؤلف بوده است پس از کتاب‌های دارای مؤلف چیده شده است.

۶- کتاب‌هایی که مؤلف آن معلوم بوده ولی سال و یا قرن زندگیش به دست نیامده، و دارای کتاب همنام بوده، معیار برای جاسازی آن، تاریخ قدیمی‌ترین نسخه آن بوده است.

۷- در صورتی که کتاب، همنام و دارای مؤلف باشد و تاریخی برای مؤلف و نسخه آن ثبت نشده باشد، بعد از کتاب‌های دارای مؤلف و تاریخ چیده شده است.

۸- در چیدن کتاب‌های همنام، زبان تالیف و موضوع اثر مد نظر قرار نگرفته است و آن آثار با هر زبان و موضوعی بوده، بر اساس زمان مؤلف آن مرتب شده است.

۹- کتاب‌هایی که دارای چند نسخه بوده است، چینش نسخه‌ها بر اساس قدمت آن مد نظر بوده است.

۱۰- اگر در میان نسخه‌های یک کتاب، نسخه‌ای به خط مؤلف دانسته شده حتی اگر تاریخی برای آن در فهرست ثبت نشده باشد، آن نسخه‌ها عموماً مقدم آورده شده است.

۱۱- رعایت چیدن نسخه‌ها بر اساس تقدم کتابتی، در مورد نسخه‌های پراکنده که ممکن است یک کتاب هم نباشند رعایت شده است. مثلاً در مورد عناوین عامی چون «ادعیه» و یا «احادیث» که تعداد بسیاری نسخه غیرهمانند وجود دارد، چیدن نسخه‌ها بر اساس قدمت آنها می‌باشد.

### چگونگی استفاده از فهرستواره

۱- چون فهرستواره بر اساس نام کتاب تنظیم و بر اساس حروف الفبای فارسی مرتب شده است، برای مراجعه و استفاده باید با توجه به حروف اول نام کتاب به جای الفبایی آن مراجعه و کتاب مورد نظر خود را یافت.

۲- اگر کتاب مورد نظر احتمالاً نام دیگر اثر باشد با ارجاع به نام اصلی راهنمایی لازم صورت گرفته است.

۳- اگر از طریق نام مؤلف به دنبال اثری باشید با مراجعه به جلد یازدهم این فهرست که اختصاص به مؤلفان دارد می‌توانید آثار معرفی شده از آن مؤلف در این فهرستواره را به صورت دقیق یافته و با دنبال کردن آن نسخه‌های مربوطه را بیابید.

۴- اگر نام کاتب مدخل شما باشد ابتدا به جلد دوازدهم که اختصاص به کاتبان دارد مراجعه نموده و موارد مورد نظر را یادداشت و به آن مراجعه نمایید.